

بسم الله الرحمن الرحيم

علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی

روانشناسی از دیدگاه اندیشمندان مسلمان

از سری کتابهای جامع روان آموز (درس نامه + تست) 

منطبق بر محتوای کلاس های جامع روان آموز 

شامل تست های کنکور سال های اخیر ✓

سه مرحله آزمون جامع کشوری رایگان 

به روز رسانی دائمی در طول سال تحصیلی ۱۴۰۴ 

مقدمه مؤلف

«آنچه مرا نگذرد، قوی تر می کند.» آذهان ساده بعد از شنیدن این گزاره از جناب نیچه، به این نتیجه رهنمون می شوند که «پس هر چیزی که کشنده نباشد، ما را قوی می کند.» جولیان بگینی در کتاب اندر حماقت حکمت می گوید: «اگر فکر کنیم هر چیز بیخودی که ما را نمی کشد لابد قوی ترمان می کند، گفته نیچه را به طرز فجیعی تحت اللفظی و ساده لوحانه تعبیر کرده ایم. بدياری هم قوای روحی و هم جسمی انسان را تحلیل می دهد. اگر این طور نبود، باید بعد از بازنشستگی، نیروگاه پایان ناپذیر انرژی می بودیم!» بنابراین چگونه باید سخن نیچه را تفسیر کنیم؟ واژه «آنچه» در اینجا، به دو قسم تقسیم می شود: ۱) «آنچه» تو را توسعه نمی دهد؛ ۲) «آنچه» تو را توسعه می دهد. مثلاً، خیانت کردن ظاهراً تو را نمی کشد، اما چون تو را توسعه نمی دهد، با این کار خود را از حقیقت انسانی خارج کرده و به عبارتی خود را کشته ای. اما کتاب خوانی و مطالعه موجب سعه وجودی تو می شود، حتی در سخت ترین و گشنده ترین شرایط! منظور نیچه در این گزاره، نوع دوم است. این ها را گفتم تا بدانی اکنون که در مسیر توسعه خویشتن قدم گذاشته ای، حتی تاریک ترین لحظات مسیر پیش روییت، چیزی جز رشد و بالندگی برایت به ارمغان نمی آورند. من مطمئنم در پایان، قوی تر از اکنون خواهی بود و این، بارزترین چیزی است که می توانی داشته باشی.

خبر خوب این است که در این مسیر تنها نیستی و ما کنارت هستیم. کمک ما به شما این است که اولاً، کتاب حاضر، نه تنها منابع قدیمی تر، بلکه منابع جدید طراحی سؤالات را هم پوشش می دهد؛ ثانیاً، هر جایی که مطالب کتاب، فلسفی تر و عمیق هستند، یک کادر اضافه کرده ایم و آن را با زبان ساده تری برایتان توضیح داده ایم؛ ثالثاً، اگر QRcode کتاب را اسکن کنید، در طول سال به فیلم هایی دسترسی پیدا خواهید کرد که در آن ها مفاهیم علم النفس را بیشتر و ترکیب شده با مفاهیم روانشناسی توضیح داده ایم.

به امید موفقیت تمام داوطلبان کنکور!

محمدعلی خالق پور، بهار و تابستان ۱۴۰۴

سخن روان آموز

علم هم برای خودش سلسله مراتبی دارد؛ مثلاً اولین سطح علم، چارچوب های ثابت اند؛ مثل پل ها و ساختمان ها که مطالعه آن کار مهندسان عمران است. در سطح دوم به ساعت واره ها می رسیم، مثل ساعت و موتور خودرو که بر خلاف سطح قبل، حرکت هم می کنند. مهندسی مکانیک این موارد را بررسی می کند. در سطح سوم، دستگاه های برنامه پذیر قرار می گیرند؛ مثل ترموستات که علاوه بر حرکت کردن، می شود به آن برنامه داد. برنامه نویسی کامپیوتر و علم مهندسی کنترل، در این سطح است. سطح بعدی سلول است؛ تک یاخته زنده ای که مستقلاً می تواند تولید مثل کند و با محیط ارتباط برقرار کند. دنیایی خیلی پیچیده تر از دنیای مهندسی! رشته های زیست شناسی و ژنتیک در این سطح از علم فعالیت می کنند. سطح بعدی گیاه و اندام هاست؛ مجموعه ای از سلول ها که باهم تقسیم وظیفه می کنند و هر کدام کاری را به عهده می گیرند. رشته های پزشکی و گیاه شناسی در این سطح مشغول اند. سطح بعدی حیوانات هستند و از اینجا آگاهی آغاز می شود؛ جاندارانی که آموزش پذیراند و از تجربه های قبلی خود درس می گیرند. روان شناسان رفتارگرا و کسانی که حیوانات را آموزش می دهند، در این سطح فعالیت می کنند. سطح بعدی فهم و تحلیل هیجانات و رفتار انسان خود آگاه است که به لحاظ پیچیدگی فراتر از تمام علوم پزشکی و مهندسی است و در بالاترین سطوح علم قرار می گیرد. جایی که شما با شگفتی های ذهن انسان روبه رو می شوید و مسائلی را حل می کنید که علوم پزشکی و مهندسی، نه تنها نمی توانند راه حلی برایشان ارائه دهند، بلکه حتی ابزاری برای پیدا کردن مسئله ندارند. اینجا آغاز دنیای روان شناسی است. خوشحالیم که در رؤیای بزرگ اکتشاف این سرزمین شگفت انگیز، قدم به قدم همراه شما هستیم!

روایت از زندگی کن!

مشاوره بروکا

در کنار منبعی قابل اطمینان برای دریافت پاسخ‌های فوری، اهمیت برخورداری از راهنمایی‌های عمیق یک مشاور دلسوز، چیزی نیست که بشود آن را نادیده گرفت. همراهی که برای هر روز از مسیر پیش‌رویتان نقشه‌ای تسهیل‌کننده ترسیم کند و از پستی و بلندی‌های مسیر، به سان فرصتی برای تقویت مهارت‌های شما بهره گیرد. روان‌آموز برای ایجاد پلی بین داوطلبان کنکور کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی با مشاوران تحصیلی متخصص در حوزه تحصیلات تکمیلی، پلتفرم بروکا را ایجاد کرده است. با استفاده از این سرویس، شما و هر داوطلب دیگری پس از مشاهده رزومه تحصیلی مشاورین بروکا، به سادگی قادرید مشاور مورد نظر خود را انتخاب کرده و به کمک او به تمام سؤالات و دغدغه‌هایی که در مسیر کنکور با آن‌ها مواجه شده‌اید، بپردازید. طرح مشاوره بروکا با ایجاد یک چرخه توانمندسازی و تبدیل داوطلب کنکور به مشاور کنکور، یکی از بزرگترین دست‌آوردهای ما در مجموعه روان‌آموز است. از آنجایی که اغلب مشاورین بروکا از رتبه‌برترهای کنکورهای سال‌های گذشته بوده‌اند، با تمام مسائل موجود در مسیر کنکور ارشد و دکتری آشنایی داشته و در نتیجه داوطلبین، پاسخ تمامی سؤالات خود اعم از انتخاب گرایش مورد علاقه، انتخاب مهم‌ترین منابع، روش مطالعه مخصوص هر درس، تکنیک‌های تست‌زنی، ظرفیت‌های پذیرش و ... را از مشاور خود دریافت می‌کنند و با قدم‌های محکم‌تر و مطمئن‌تری مسیر موفقیت خود را پی‌ریزی کرده و مشابه سالیان گذشته حامل برترین رتبه‌های کنکور خواهند بود.

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که وقتی برای اولین بار در مسیر جدیدی قدم گذاشته‌اید، ابهام زیاد و ترس از اشتباه کردن، موجب افول از سرعت و کیفیت مطلوبتان شده باشد یا با انتخاب‌های ناآگاهانه پا به بیراهه گذاشته باشید. اصلاً یک وقت‌هایی کار به جایی می‌کشد که باید یک نفر باشد تا کاملاً مستدل و حساب‌شده بتواند پاسخ سؤالات دور و دیرتان را به درستی و از سر حوصله بدهد. در همین راستا بود که SOS، یکی از پروژه‌های تخصصی روان‌آموز، طراحی و راه‌اندازی شد. اکنون ۴ سال از اولین اجرای آزمایشی آن می‌گذرد و جز محبوب‌ترین و راهگشاترین خدمات ما در بین مخاطبینمان شناخته می‌شود. وجه برتری طرح SOS نسبت به هر مشاوره دیگری دسترسی پذیری آن است. شما داوطلبین در هر زمان و هر شرایطی که نیاز به راهنمایی حرفه‌ای در حیطه‌های متنوع کنکور داشته باشید، می‌توانید از طریق تماس تلفنی یا پرکردن فرم مشخصات در سایت روان‌آموز، به مشاورین طرح SOS متصل شوید.

این مشاورین با تجارب ارزشمند و آموزش‌های آکادمیک در حیطه کنکور روان‌شناسی در مقاطع مختلف، آماده ارائه اطلاعات کامل در حوزه‌های متنوعی از جمله انتخاب منابع، روش‌های برنامه‌ریزی، زمان‌بندی و شیوه ثبت‌نام کنکور و ... هستند. شگفتی این طرح در این است که به صورت کاملاً رایگان در حال اجراست. همچنین در پایان هر جلسه ۱۵ دقیقه‌ای با اعلام میزان رضایت خود از مکالمه، می‌توانید ما را در بهبود روند پاسخ‌دهی، یاری کنید.



کتاب‌های جامع

در مسیر ارتقای دانش آکادمیک، هیچ چیز به اندازه مطالعه مستقیم کتاب‌های مرجع، مؤثر نیست؛ با این حال در سال کنکور اوضاع کمی متفاوت است. شما یا هر داوطلب کنکوری برای مدیریت بهینه زمان و انرژی محدود خود و کسب نتایج مقبول، نیاز به عوامل تسریع‌کننده و تسهیل‌گر دارید. یک نمونه بارز از این عوامل، کتاب‌های جامع کمک آموزشی است که با توجه به نیازهای محتوایی شما برای یادگیری عمیق پاسخ‌دهی به تست کنکور و براساس اصلی‌ترین و مهم‌ترین منابع دست اول نگاشته شده‌اند. تحلیل کامل سؤالات سال‌های گذشته و کاوش خط فکری طراحان تست‌های کنکور، پایه و اساس اصلی گزینش و تألیف محتوای آن‌هاست. این منابع، دست برنده هستند که اگر دقیق و کامل به آن‌ها بپردازید، چه داوطلب کنکور ارشد با کارشناسی مرتبط باشید و چه رشته کارشناسی خود را تغییر داده باشید، می‌توانند نسبت به سطح فعلیتان، دانش شما را چندین پله افزایش دهند. همچنین، ساختار یکپارچه و قاعده‌مند آن‌ها در شیوه ارائه محتوا، از جمله مجهز بودن به نمودارهای شماتیک در ابتدای هر فصل، درس‌نامه‌های مفصل، خلاصه‌های پایان فصل مناسب، پاسخ‌های تشریحی طبقه‌بندی شده، متن روان و پوشش گسترده سؤالات کنکور، از نقاط قوت آن‌هاست. ما در روان‌آموز به سبب اعتقادمان به اصلاح مداوم و به مدد تیم گسترده تولید، هر سال دست به ویرایش‌های صوری و محتوایی بنیادین در محصولات چاپی و الکترونیکمان می‌زنیم تا بتوانیم پیوسته و بلاوقفه استانداردهای منطقی و منحصر به فردی را درحیطه تخصصمان ارائه دهیم.



کتاب‌های مرجع

روی صحبت ما با شماست؛ شمایی که به نحوی یا به دلیلی این کتاب را در دست دارید. اگر داوطلب کنکور هستید، اگر دانشجوی روان‌شناسی یا سایر رشته‌های مرتبطید، اگر در این حیطه از تخصص خوبی برخوردارید و یا صرفاً از طرفداران و علاقمندان این علم عمیق هستید، گشت و گذار در میان کتاب‌های مرجع، برایتان خالی از لطف نخواهد بود. این گلزار، معطر به عطر صفحات طیف گسترده‌ای از کتاب‌هایی است که روان‌آموز با هدف ارتقا سطح کیفی دانش شما و تکمیل سبد خریدتان تدارک دیده است. مجموعه‌ای که بدون تردید کتاب‌های نام‌آشنایی مثل هیلگارد و فیرس تا کتاب‌های گمنام‌تری که چه بسا به راحتی قابل دسترسی نیستند را در بر گرفته است. وجود بیش از سه هزار عنوان کتاب مرجع، در کنار کتاب‌های جامع و تألیفی، آن هم با تخفیفات ویژه، فروشگاه روان‌آموز را به مرجعی ایده‌آل و قابل اطمینان بدل کرده است؛ به نحوی که به راحتی و بدون نیاز به مراجعه به سایت‌ها و فروشگاه‌های مختلف، در کمترین زمان ممکن می‌توانید پاسخ همه نیازهای خود را در روان‌آموز بیابید. علاوه بر تنوع فوق‌العاده، موجودی مثبت تمام کتاب‌های مرجع در انبار روان‌آموز، بسته‌بندی منحصر به فرد، تخفیفات قابل ملاحظه روی جدیدترین چاپ و ویراست کتب، ارسال در سریع‌ترین زمان ممکن و برخورداری از خدمات تیم پشتیبانی نیز از دیگر مزایای تهیه کتاب‌های مرجع از فروشگاه روان‌آموز است.



درصد تطابق

می‌دانید که با مطالعه دقیق و کامل کتاب‌های جامع روان‌آموز، می‌توانید در هر درس، درصد بالایی در آزمون کسب کنید. برای تأیید این سخن، روان‌آموز هر سال با ارائه فایل مستندات دقیق، میزان پوشش‌دهی کتاب‌ها را محاسبه و منتشر می‌کند.

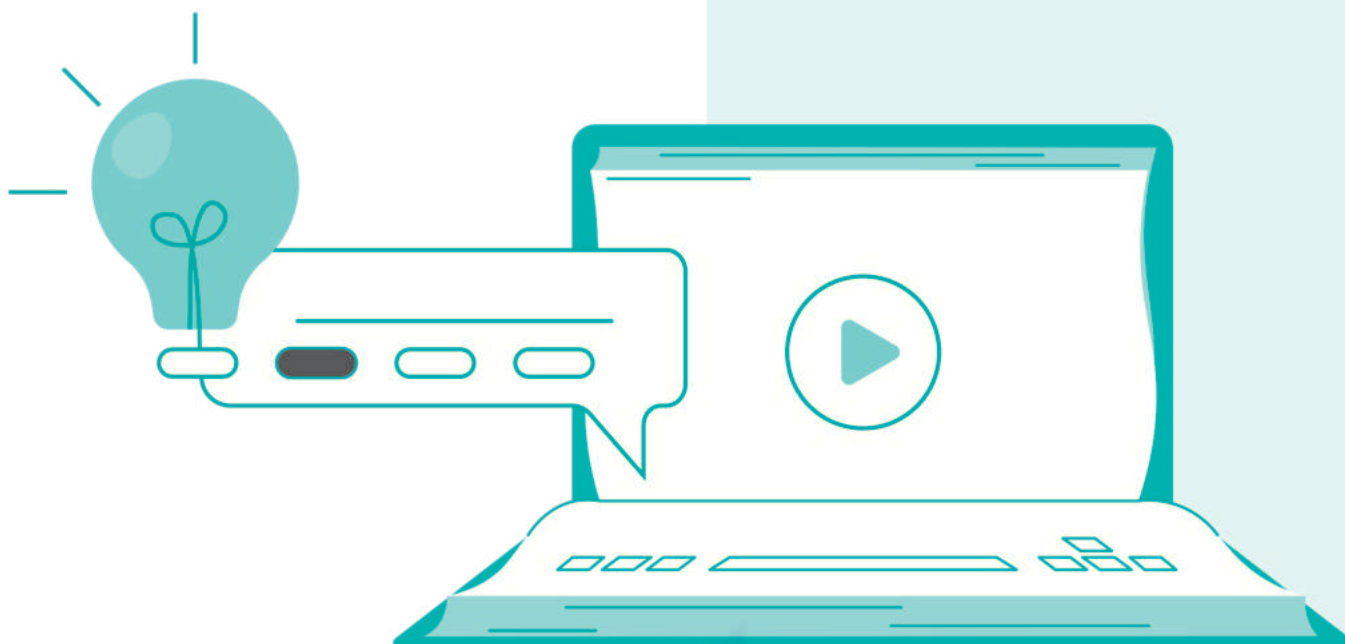


برای دانلود فایل مستندات درصدهای تطابق، QR code مقابل را اسکن کنید.

به نظر شما هواپیما چند درصد زمان پرواز را در مسیر از پیش تعیین شده حرکت می‌کند؟ صفر درصد! سیستم خلبان خودکار، در هر ثانیه هزاران بار اختلاف موقعیت فعلی هواپیما را با موقعیتی که باید در آن باشد، محاسبه کرده و دستورهای اصلاحی مورد نیاز را صادر می‌کند. رولف دوبلی در کتاب «هنر خوب زندگی کردن» می‌گوید: اصلاح، یک جزء همیشگی در مسیر زندگی است و رمز بقا و ماندگاری محسوب می‌شود.

ما هم در روان‌آموز هر چند تمام تلاشمان را برای ارائه بی‌عیب و نقص تمام کتاب‌ها انجام می‌دهیم اما معتقدیم، اصلاحات و اضافات را نباید دست‌کم گرفت. علاوه بر اینکه هرساله پس از برگزار شدن کنکور، اقدام به جمع‌آوری اطلاعات به‌روز در تمامی درس‌ها مطابق با آخرین تغییرات کتاب‌های مرجع و منبع اصلی و شیوه طراحی تست طراحان کنکور می‌کنیم؛ کاری که کمتر مؤسسه‌ای می‌کند، اما باز هم پس از انتشار، این روند را متوقف نمی‌کنیم. مؤلفین و همکاران روان‌آموز همه‌روزه در حال مطالعه و تفحص در باب مباحث علمی و مشاوره‌ای کنکور هستند تا چنانچه محتوا و مطالب جدیدی به دستمان رسید، آن‌ها را با شما نیز به اشتراک بگذاریم. از آن‌جا که ما خود را در قبال داوطلبین و مخاطبینمان متعهد و مسئول می‌دانیم، این پروسه پیچیده و سخت برایمان شیرین و اثربخش است. ما در طول یک سال تحصیلی از این طریق با تمام افرادی که کتاب‌ها را تهیه کرده‌اند در ارتباط خواهیم بود و در صورت لزوم، محتواهای مکمل از جمله مقالات، مطالب علمی جدید و تست‌های مرتبط را در لینک‌های مربوطه بارگذاری خواهیم کرد. لازم به ذکر است استفاده از محتوای مکمل، فقط در همان سال و ویژه داوطلبانی است که کتب چاپ جدید را تهیه کرده‌اند. اطلاع‌رسانی‌ها در مورد انتشار محتوای جدید از طریق کانال‌های روان‌آموز در شبکه‌های اجتماعی انجام خواهد شد.





کلاس‌های نکته و تست

ماه‌های آخر، غالباً مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین بازه برای شماست؛ بازه‌ای که نیازمند انتخاب‌ها و تصمیمات صحیح و هوشمندانه است. کلاس‌های نکته و تست این امکان را برایتان فراهم می‌کنند تا با سبک و سیاق سؤالات کنکور خو گرفته و با خط مشی طراحان آشنا شوید. در مقابل کلاس‌های جامع که بیشتر متمرکز بر تدریس کامل نکات مهم منابع اصلی هستند و در کنار آن به تست‌ها هم می‌پردازند، کلاس‌های نکته و تست ماهیتشان حل سؤالات کنکور ده پانزده سال اخیر و مرور نکات مهم مطرح‌شده در این تست‌ها است. وجه تمایز مثبت این کلاس‌ها با مطالعه صرف تست‌های کنکور، رفع اشکال با همراهی مدرسان موفق است که به طور کامل به عناوین درسی مربوطه و سؤالات کنکور مسلط بوده و غالباً خود یکی از رتبه‌برترهای سال‌های گذشته بوده‌اند. همچنین این کلاس‌ها مملو از نکات کلیدی و سؤال خیزی است که در حین پاسخ‌گویی به تست‌ها، بازگو می‌شوند و به این ترتیب، این جلسات نه چندان طولانی، بستری مناسب و اثربخش برای جمع‌بندی، مرور و تثبیت مطالب نیز محسوب می‌گردند.



کلاس‌های جامع

یادگیری به طرق مختلفی اتفاق می‌افتد. بعضی اوقات خواندن یک کتاب و گاهی هم دیدن یک کلاس می‌تواند اثرات ژرفی بر ذهن شما بگذارد و تحقق اهدافتان را ملموس‌تر کند. با مشاهده کلاس‌های جامع روان‌آموز، گوش دادن فعال را خواهید آموخت و با همراهی مدرسینی کاربلد با قدرت بیان و سطح سواد بالا، فهم پیچیده‌ترین مطالب برایتان شیرین خواهد شد. کلاس‌های مجازی جامع که در بستر اینترنت و به صورت آنلاین و ضبط شده در استودیو ارائه شده‌است، به مدت یک‌سال قابلیت مشاهده و تکرار نامحدود دارند و با صرفه‌جویی در وقت شما، انتخاب ارزشمندی در دوران کنکور محسوب می‌شوند. در انتهای هر جلسه از این کلاس‌ها، آزمونک‌هایی برگزار می‌شود که هم به تثبیت مطالب کمک کرده و هم ارزیابی مناسبی از میزان فهم و یادگیری‌تان ارائه می‌نماید. پیش از این گفتیم که به روز بودن، از افتخارات روان‌آموز است؛ در همین راستا به‌روزرسانی‌ها و اصلاحاتی که همه ساله در خصوص کلاس‌های جامع ترتیب داده می‌شوند، برای داوطلبانی که قبلاً اقدام به تهیه کلاس‌ها نموده‌اند نیز اعمال می‌گردد.



فلش کارت‌های نارنگی

دقیقه‌ها، ارزشمندترین دارایی ما هستند و استفاده بهینه از آن‌ها، رمز موفق شدن در هرکاری است اما همه شما زمان‌های بلااستفاده‌ای دارید که در مسیرهای رفت و آمد، فواصل بین ساعات مطالعاتی، انتظار برای شروع کلاس‌ها و یا حتی در پایان شب و پیش از خواب از دست می‌روند. اینجاست که فلش‌کارت‌های نارنگی در هیبت قهرمان‌هایی کوچک ولی کار راه‌انداز، پا به عرصه میدان گذاشته و شما را از حمل کتاب‌های سنگین و قطور، نجات می‌دهند! فلش‌کارت‌های سؤال و پاسخ کوتاه نارنگی، همیشه همراه شما هستند، فرصت‌هایتان را به بهترین شکل احیا کرده و کمک می‌کنند تا مطالبی را که قبلاً مطالعه کرده‌اید، مرور و ارزیابی کنید. فلش‌کارت‌ها برای ایجاد آمادگی در آزمون‌های مختلف سراسری و کلاسی از جمله کنکور و امتحانات دانشگاهی، بسیار مفیدند و مهم‌ترین نکات کتاب‌های مرجع را به صورت دسته‌بندی‌شده، در عناوین درسی مختلف پوشش داده‌اند. اگر از رتبه‌برترها و نارنگی‌خورده‌های قدیمی‌تر روان‌آموز بپرسید، حتماً به شما خواهند گفت که در روزهای سخت و پرچالش پیش از کنکور، لذت خوردن یک پَر نارنگی آب‌دار، خوشمزه و سرشار از ویتامین، با هیچ چیز دیگری قابل قیاس نیست!



کارگاه‌های آموزشی

هر فصل از داستان زندگی، چالش‌های مخصوص به خودش را دارد. حتی اگر شما پیروز میدان قبلی بوده باشید، برای مبارزه در نبرد امروز، باید دوباره تحت تمرینات حرفه‌ای و درست قرار بگیرید تا ورزیده و آماده شوید. این نزدیک‌ترین و ساده‌ترین استعاره برای موفقیت در کنکور است. خیلی از دوستان شما در سالیان گذشته توانسته‌اند با روش‌های منحصر به فرد خود، موفق به کسب درصدهای بالا و لمس رویاهای تحصیلی و شغلی‌شان شوند؛ شما هم می‌توانید با پیدا کردن مسیر درست، این جاده را با کمترین خطرات پشت سر بگذارید. اما مسیر درست کدام است؟ روان‌آموز که هدفش همراهی همه‌جانبه داوطلبین کنکور و علاقه‌مندان به روان‌شناسی بوده و هست، برای این مرحله هم تدبیری اندیشیده است. ما سعی کرده‌ایم بستری فراهم کنیم تا در طی سال، با برگزاری کارگاه‌های آموزشی متعدد، با موضوعات مختلف و اساتید متخصص، بتوانیم در ایجاد نگرشی واقع‌بینانه و شناختی درست در هر یک از شما نقشی مثبت ایفا کنیم. درون‌مایه کارگاه‌های آموزشی، غالباً مبتنی بر مباحث مشاوره‌ای از جمله ارائه اطلاعات جامع درباره کنکور، بررسی و معرفی رشته‌ها و گرایش‌های مختلف، انتخاب بهترین منابع، چگونگی برنامه‌ریزی و مطالعه متناسب با سبک‌های یادگیری، مدیریت فردی و ... است. دغدغه‌هایی که هر یک از شما در برهه‌های زمانی گوناگون با آن‌ها مواجه هستید، در کارگاه‌های آموزشی روان‌آموز، مورد کالبدشکافی قرار گرفته و سعی می‌شود تا درست‌ترین روش مدیریت این موارد آموزش داده شود. برای اطلاع از زمان برگزاری و شرکت در کارگاه‌های روان‌آموز، از جمله کارگاه بیس‌کمپ کارشناسی ارشد و دکتری روان‌شناسی، حتماً سایت و شبکه‌های اجتماعی ما را دنبال کنید.





خلاصه‌های الکترونیک

روان‌آموز برای شمایی که تمایل به آشنایی و مطالعه کتاب‌های مرجع روان‌شناسی به زبان اصلی دارید اما زمان یا دانش کافی برای مطالعه آن‌ها را ندارید، اقدام به تهیه فایل‌های خلاصه الکترونیک با نام «منشورهای روان‌آموز»، نموده است. کتاب‌های سنگینی که غالباً بیش از هزار صفحه حجم داشته و مطالعه آن‌ها در عمل، بالاخص در کشاکش کنکور، اگر غیرممکن نباشد، بسیار دشوار است. تیم ترجمه روان‌آموز، متشکل از مترجمین حرفه‌ای در کنار متخصصین علم روان‌شناسی، به تدوین و تهیه این فایل‌ها مشغول‌اند. فایل‌های الکترونیک روان‌آموز، در کامل‌ترین و در عین حال خلاصه‌ترین شکل و با بیانی رسا و روان، نگاشته شده‌اند و می‌توانند جایگزین مناسب کتاب‌های مرجع برای داوطلبینی باشند که فرصت مطالعه همه منابع را ندارند. علاوه بر این طی چندین سال اخیر، شاهد این بوده‌ایم که بسیاری از اساتید از سراسر کشور، این خلاصه‌ها را به عنوان منبعی برای واحد درسی دانشگاهی نیز معرفی کرده و بازخوردهای بسیار مثبتی داشته‌اند. منشورهای الکترونیک روان‌آموز در عناوین مهم و پرشماری از جمله نظریه‌های شخصیت، روان‌شناسی رشد، آسیب‌شناسی روانی، روان‌شناسی بالینی و ... تألیف شده‌اند. بدین ترتیب شما با صرف کم‌ترین میزان وقت و هزینه، نکات اساسی کتاب‌های مرجع زبان اصلی را تا حد تسلط می‌آموزید. راستی اگر هنوز برای تهیه منشورها مردد هستید باید بگوییم که علاوه بر نمونه‌های کوتاهی که از تمام منشورها در سایتمان موجود است، تا این لحظه دو منشور ارزشمند و پرمخاطب «خلاصه روان‌شناسی رشد و تحول انسان پاپالیا» و «خلاصه روان‌شناسی مرضی تحولی دادستان» هم به صورت کاملاً رایگان، برای استفاده شما عزیزان، در سایت روان‌آموز قرار گرفته است.



آزمون‌های جامع آزمایشی

اگر همراه چندین و چند ساله ما باشید حتماً به خاطر دارید که همیشه بزرگ‌ترین موفقیت‌هایمان را از صمیم قلب با شما شریک شده‌ایم تا طعم شیرین شادی‌ها چند برابر شود. داستان کمپین تستیک هم از همین جا آغاز شد. وقتی شما، که مرهون محبت‌های مدامتان هستیم، از اثرات مثبت بی‌اندازه‌ای گفتید که شرکت در آزمون‌های آزمایشی جامع روان‌آموز بر مسیر قبولیتان در کنکور گذاشته بود. این آزمون‌ها پس از تحلیل‌های عمیق، با ارائه تست‌های شبیه‌ساز کاملاً استاندارد و همسو با نگرش طراحان کنکور، فرصت خوبی را فراهم کرد تا داوطلبین سال‌های گذشته، نقاط ضعف و قوت خود را شناسایی کرده و عملکرد خود را محک بزنند. همان‌طور که گفتیم، امسال برای دومین سال با هدف دسترسی‌پذیری طیف گسترده‌ای از داوطلبین کنکور از سراسر کشور به این خدمت ویژه و کسب نتایج دلخواه، شرکت در سه مرحله آزمون آزمایشی جامع برای تمام مخاطبین کتب روان‌آموز رایگان شد. با فراهم کردن این بستر و عملیاتی شدن این کمپین مبتنی بر تست‌زنی صحیح برای آمادگی در کنکور ۱۴۰۵، آزمون‌های آزمایشی با جامعه آماری بی‌سابقه‌ای خواهیم داشت که نتایج آن تا حدود بسیار زیادی به واقعیت نزدیک بوده و پیش‌بینی نسبتاً دقیقی از وضعیت هر داوطلب در بین سایرین به دست می‌دهد. این سوپرایز ویژه، هدیه‌ای است از جانب روان‌آموز تا به سان همیشه که همراهی مشتاقانه‌اش را ثابت کرده، باز هم به شما یادآور شود که در این مسیر چیزهای بسیار مهم‌تری از مسائل مادی وجود دارد که تا بتوانیم و دستانمان برسد در سبد اخلاص تقدیمتان خواهیم کرد. به یاد داشته باشید که آزمون‌های آزمایشی، معیاری برای کیفیت مطالعه در سال کنکور هستند. با شرکت در آزمون‌های آزمایشی روان‌آموز، تجربه فضای جلسه کنکور را خواهید داشت و زمان‌بندی صحیح را نیز می‌آموزید. این آزمون‌ها به صورت مجازی و آنلاین برگزار می‌شوند و یکی از برجسته‌ترین مزیت‌هایشان، دفترچه‌های پاسخ تشریحی است که پس از هر آزمون در اختیار شرکت‌کنندگان قرار می‌گیرد. گنج‌نامه‌ای که تمام نکات مهم و کلیدی مباحث کنکوری را در بر گرفته و در جمع‌بندی و مرورهای آخر بسیار ثمربخش است. برای فعال کردن کوپن شرکت در آزمونتان، کافی است پس از ورود به لینک زیر، کد یکبار مصرف درج شده در صفحه شانزدهم کتاب را وارد کرده و فرم اطلاعات فردی را تکمیل کنید؛ سپس منتظر اطلاع‌رسانی‌های بعدی ما در بازه زمانی یک هفته پیش از هر آزمون باشید.

کمپین مسئولیت اجتماع



تستیک

استیکرهای اختصاصی

در سال کنکور که همه شما نه تنها تحت فشار مطالعاتی زیاد هستید، بلکه فشار روانی سنگینی را هم متحمل می‌شوید و بازه‌ای بسیار حساس و سرنوشت‌ساز را پیش رو دارید، آنچه از اهمیت حیاتی برخوردار است، حفظ روحیه از طریق تقویت انگیزه است. روان‌آموز با طراحی استیکرهای اختصاصی با محوریت روان‌شناسی، در شمایی جذاب و فانتزی و با کیفیت متریال بالا در تلاش برای رفع این نیاز برآمده است. این استیکرها در طرح‌ها و رنگ‌های متنوعی عرضه شده‌اند و به راحتی قابل نصب در صفحات کتاب، پشت گوشی، میز مطالعه و ... هستند. پوسته چرمی، خاصیت ضد آب و ضد خش، دوام بالا و جذابیت بصری این رده از محصولات، محرک خوبی برای انگیزه و تلاشتان خواهد بود. علاوه بر این استیکرهای روان‌آموز می‌توانند انتخاب بسیار خوب و خوشحال‌کننده‌ای برای هدیه دادن به دوستان روان‌شناسان نیز باشند.



پوسترهای آموزشی

برداشتن گام‌های نو و گشودن مسیرهای بن‌بست، از چالش‌های موردعلاقه تیم روان‌آموز بوده و هست. ما همواره و پیوسته با اشتیاقی وصف‌ناشدنی در پی درنوردیدن قله‌های مرتفع پیش‌روییم و در این راه از هیچ تلاشی فروگذار نخواهیم کرد. پوسترهای آموزشی نیز، نمونه‌ای موفق از ابتکاری مدرن برای شما مخاطب سخت‌پسند امروزی است که علاوه بر کاربردهای فزاینده در یادگیری و بازآوری دانش عمیق روان‌شناسی، از منظر زیبایی‌شناسانه نیز تجلیگر خلاقیت و ذوق مصرف‌کنندگان است. به جرئت می‌توان گفت این اولین باری است که در سطح کنکور کارشناسی ارشد و دکتری روان‌شناسی چنین ایده‌ای اجرایی می‌شود. در برشمردن ویژگی‌های برجسته این محصولات می‌توان به تسهیل مرور و تکرار مداوم، تثبیت فرآیند یادگیری، جمع‌بندی دقیق و جزیه‌جز، حداکثر استفاده از حافظه تصویری، دسته‌بندی‌های ساده و قابل فهم، متمرکز بر نکات مهم کنکوری و قیمت به‌صرفه و کیفیت مناسبشان اشاره کرد. خالی از لطف نیست اگر دیوار اتاق هر روان‌شناسی خواننده‌ای مزین به این مفاهیم کلیدی و پرتکرار باشد.



برای مشاهده و سفارش این محصولات، QR code مقابل را اسکن کنید.



ستاره‌های روان آموز

نام و خانوادگی	رتبه کشوری در ۶ گرایش	نام و خانوادگی	رتبه کشوری در ۶ گرایش	سال
پارسا کفشچی	۱ بالینی - ۱ بهداشت روان - ۱ سلامت	مهتاب شریفه	۱۸ بالینی - ۴۹ عمومی	۱۴۰۱
جدیده حسینی	۱ بالینی - ۲ روان سنجی - ۱۱ عمومی - ۲۲ کودکان	هدی ملاحسینی	۱۸ تربیتی	۱۴۰۲
زهرا قاسمی	۱ بالینی - ۲ عمومی - ۵ کودکان - ۸ روان سنجی - ۲۳ تربیتی	نیکانزاد اتحاد	۱۸ کودکان - ۳۷ عمومی	۱۴۰۲
فانزه قدیمی	۱ بالینی	آرزو رنجبر مقدم	۱۹ بالینی کودک - ۲۱ بالینی - ۲۹ سلامت	۱۳۹۹
نیما فریدنی	۱ تربیتی - ۴۷ کودکان	مجتبی احمدیان	۱۹ بالینی - ۲۳ روان سنجی - ۲۷ عمومی - ۴۶ کودکان	۱۴۰۲
مرضیه رحیمی	۱ کودکان - ۸ روان سنجی - ۲۱ تربیتی	فاطمه عموزاده	۱۹ بالینی	۱۴۰۰
زهرا حسنی	۲ بالینی - ۲ بالینی کودک - ۲ بهداشت روان - ۴ سلامت	زینب جعفری	۱۹ روان سنجی - ۳۰ عمومی - ۴۸ کودکان	۱۴۰۲
مهرناز یوسفی	۲ بالینی - ۶ عمومی - ۱۵ کودکان - ۲۲ روان سنجی	مهسا کشاورز	۲۰ بالینی	۱۴۰۰
مهسا محمدی	۲ عمومی - ۹ بالینی	محدثه غفاری	۲۰ عمومی - ۲۸ کودکان - ۳۷ روان سنجی - ۴۸ بالینی	۱۴۰۳
معصومه حسینی عبد	۲ تربیتی - ۲۵ کودکان	نازنین سلیمی	۲۰ عمومی - ۳۲ کودکان - ۴۸ بالینی	۱۴۰۲
پارسا کفشچی	۳ بالینی - ۳۷ عمومی - ۴۷ روان سنجی	حاجیه قمی	۲۰ کودکان - ۲۸ عمومی	۱۴۰۲
فریبا مبری	۳ بالینی - ۱۰ عمومی - ۳۹ کودکان	علیرضا باغبان	۲۰ روان سنجی	۱۴۰۱
آرین عمرانی	۳ عمومی - ۵ بالینی - ۱۴ روان سنجی - ۴۰ کودکان	حاجیه پورقوام	۲۲ بالینی - ۲۶ عمومی	۱۴۰۲
سحر ابراهیمی فرد	۳ روان سنجی - ۲۵ کودکان	سپهر سلیمیان	۲۳ عمومی - ۳۷ روان سنجی - ۴۶ بالینی	۱۴۰۲
لجمله نوری	۳ روان سنجی	کیما ابراهیمی	۲۴ عمومی	۱۴۰۲
مجتبی حدائق	۴ بالینی - ۸ عمومی - ۱۲ روان سنجی - ۲۳ کودکان - ۳۰ تربیتی	رحانه قائم مقامی	۲۵ بالینی	۱۴۰۲
امیرحسین ارفع رحیمیان	۴ عمومی - ۶ بالینی - ۱۰ روان سنجی - ۱۳ کودکان	سیمما قاسمی	۲۵ عمومی	۱۴۰۳
فاطمه جمالی نوروزآبادی	۴ عمومی - ۵ روان سنجی - ۶ کودکان - ۱۰ بالینی - ۳۲ تربیتی	علی جعفری	۲۶ تربیتی	۱۴۰۳
مهدیه ابوطالبی	۴ تربیتی	ویدا کوهپیمما	۲۷ بالینی - ۲۸ بالینی کودک - ۳۱ بهداشت روان	۱۴۰۱
سارا صابری	۴ کودکان - ۸ عمومی - ۱۲ بالینی - ۱۲ روان سنجی	علی جولایی	۲۶ کودکان - ۳۰ روان سنجی	۱۴۰۰
فاطمه بهمودی	۴ کودکان - ۱۱ روان سنجی	نیکو صیوری	۲۷ تربیتی	۱۴۰۱
زینب صالح زاده	۵ بالینی کودک - ۵ سلامت - ۷ بالینی - ۱۵ بهداشت روان	رحانه گل گوشت	۲۸ بالینی - ۲۸ عمومی - ۳۴ کودکان - ۴۸ روان سنجی	۱۴۰۱
فاطمه شاکری	۵ بهداشت روان - ۹ سلامت - ۱۲ بالینی - ۱۸ بالینی کودک	نسا نبهانی	۲۸ عمومی - ۵۰ بالینی	۱۴۰۳
فرزانه قیومی	۵ بالینی - ۳۲ عمومی - ۲۸ روان سنجی	عالیه مرادی	۲۸ عمومی	۱۴۰۰
محمدعلی حائری	۵ بالینی - ۴۰ عمومی	روشان موسوی	۲۸ روان سنجی - ۳۵ بالینی - ۳۶ عمومی	۱۴۰۳
رویا نجارباشی	۵ عمومی - ۸ روان سنجی - ۳۱ کودکان - ۴۶ تربیتی	زهرا قیومی محمدی	۲۹ تربیتی	۱۴۰۲
علی سلیمی	۵ عمومی - ۱۲ بالینی - ۳۴ کودکان - ۳۴ روان سنجی	فاطمه رجایی	۳۱ بالینی	۱۴۰۱
علیرضا محمودی	۵ عمومی - ۹ روان سنجی - ۱۱ کودکان - ۱۶ بالینی - ۲۵ تربیتی	ملیکا بهرامی	۳۱ بالینی	۱۳۹۹
زهرا آقا جانی	۵ کودکان - ۳۲ عمومی - ۳۵ بالینی	شیوا عباس زاده	۳۱ عمومی - ۴۷ بالینی	۱۴۰۱
زهرا قاسمی	۶ بهداشت روان - ۱۰ سلامت - ۱۶ بالینی - ۱۶ بالینی کودک	مهدی میرویان	۳۲ بهداشت روان - ۳۶ سلامت - ۵۰ بالینی	۱۴۰۰
ابوشا ناصر طاهری	۶ عمومی - ۷ بالینی - ۸ روان سنجی - ۱۰ کودکان - ۲۷ تربیتی	نقیسه طاهرینا	۳۲ عمومی - ۳۹ بالینی	۱۴۰۳
نیما ربیعی	۶ عمومی - ۲۸ روان سنجی	مریم علوی	۳۲ عمومی	۱۴۰۲
علیرضا باغبان	۷ بهداشت روان - ۱۸ سلامت - ۳۴ بالینی - ۳۴ بالینی کودک	فاطمه شاکری	۳۳ عمومی	۱۴۰۲
امیرمهدی امراتی	۷ بهداشت روان - ۲۳ سلامت	زهرا سیدمیری	۳۴ عمومی - ۳۷ بالینی	۱۴۰۲
ساینا فتح الله زاده	۷ سلامت - ۱۲ بهداشت روان - ۱۰ بالینی - ۱۰ بالینی کودک	فاطمه مشکوری	۳۴ عمومی	۱۴۰۲
علیرضا زارع	۷ عمومی - ۱۱ بالینی - ۱۷ روان سنجی - ۲۳ کودکان	نگار موسویوند	۳۴ روان سنجی - ۴۳ عمومی - ۴۶ بالینی	۱۴۰۲
سارا جلوداری	۷ عمومی - ۱۵ کودکان - ۲۳ روان سنجی - ۴۴ بالینی	پریسا کیاد	۳۵ کودکان - ۴۲ روان سنجی	۱۴۰۱
مرضیه زمانی	۷ تربیتی	سپیده کاربان	۳۷ بالینی	۱۴۰۰
ندا قلی پور	۸ بالینی - ۸ بالینی کودک - ۹ سلامت - ۱۰ بهداشت روان	حسین اعلا	۳۸ عمومی - ۴۰ بالینی	۱۴۰۰
زینب صالح زاده	۸ بالینی - ۸ عمومی - ۱۴ کودکان - ۱۵ روان سنجی	محمدتقی صانعی فر	۳۸ تربیتی - ۴۱ عمومی - ۴۹ کودکان	۱۴۰۳
نجمه نوری	۹ بالینی کودک - ۱۱ بالینی - ۱۵ سلامت - ۲۱ بهداشت روان	مهدی شایسته پور	۳۸ روان سنجی - ۵۰ کودکان	۱۴۰۲
زهرا احمدی	۹ بالینی - ۲۸ کودکان - ۴۰ عمومی - ۵۴ روان سنجی	فاطمه کشاورز	۳۹ بالینی	۱۴۰۲
سعید پایدار فرد	۹ عمومی - ۲۹ روان سنجی - ۳۰ کودکان - ۳۶ بالینی	رحانه نصرتی	۳۹ عمومی	۱۴۰۲
سینا فخرزاده	۹ کودکان - ۳۵ تربیتی - ۳۸ روان سنجی	یاسمن کریمی	۳۹ عمومی - ۴۳ روان سنجی - ۵۰ کودکان	۱۴۰۱
امیرحسین حیدری	۹ روان سنجی - ۱۱ عمومی - ۲۶ بالینی - ۲۹ کودکان - ۴۴ تربیتی	فاطمه بیری	۳۹ کودکان - ۴۷ عمومی	۱۴۰۱
فاطمه جمالی	۱۰ بالینی - ۳۵ عمومی	زهرا نجیبی	۳۹ روان سنجی	۱۴۰۱
پریسا شاه حسینی	۱۰ تربیتی	فرزانه عبیدی	۴۰ بالینی	۱۴۰۱
مهسا هونجانی	۱۱ بالینی	سمانه مرادی گلریز	۴۰ عمومی - ۴۱ بالینی	۱۴۰۳
نگین قاسمی	۱۲ بالینی - ۲۲ روان سنجی	فاطمه جعفری رابانی	۴۱ بالینی	۱۴۰۲
سپیده سمائی	۱۲ بالینی - ۳۹ عمومی	فاطمه کرمانی	۴۱ بالینی - ۴۲ عمومی	۱۴۰۱
گلناز حسن زاده	۱۲ عمومی - ۱۲ تربیتی	سهیل ابوسعدی	۴۰ کودکان	۱۴۰۱
پریا الفتی	۱۲ عمومی - ۱۴ روان سنجی - ۲۴ بالینی - ۲۷ کودکان - ۳۴ تربیتی	فاطمه خسروانجام	۴۲ بالینی - ۴۸ عمومی - ۵۰ کودکان	۱۴۰۰
مریم آرین فرد	۱۲ کودکان - ۳۴ بالینی - ۳۹ عمومی - ۴۴ روان سنجی	علی خدایانه	۴۳ عمومی	۱۴۰۱
نگین قاسمی	۱۳ بالینی کودک - ۱۵ بالینی - ۱۸ سلامت - ۳۱ بهداشت روان	ترکس فراهی	۴۴ بالینی	۱۳۹۹
زهرا کریمی فرد	۱۳ بالینی	شقایق کارگر	۴۴ کودکان	۱۴۰۳
زینب قاسمی	۱۳ بالینی	شقایق احمدی	۴۴ کودکان - ۴۶ تربیتی	۱۴۰۲
سینا صبور	۱۳ عمومی - ۲۱ روان سنجی - ۲۶ بالینی - ۳۹ کودکان	فاطمه ایمانی	۴۵ عمومی	۱۴۰۰
فاطمه نیکدار اصل	۱۳ کودکان	محمد مهدی اکبرزاده	۴۶ بالینی	۱۴۰۱
سارا الله وردی	۱۴ بالینی - ۲۲ عمومی - ۳۱ روان سنجی - ۴۲ کودکان	مریم میراشه	۴۷ بالینی	۱۴۰۰
محمد رضا عمومی	۱۴ عمومی - ۱۴ روان سنجی - ۲۴ بالینی - ۳۷ کودکان	سید وحید جاهدی	۴۷ کودکان	۱۴۰۳
نیما خوش فطرت	۱۵ عمومی - ۱۷ روان سنجی - ۲۳ کودکان - ۳۶ تربیتی - ۳۹ بالینی	وحید جاهدی	۴۷ کودکان	۱۴۰۲
رقیه حکیمی	۱۶ تربیتی	یاسمن امیری	۴۷ روان سنجی	۱۴۰۲
فاطمه شاه حیدری پور	۱۷ بالینی - ۲۷ روان سنجی - ۴۱ عمومی - ۴۹ کودکان	کوتر یوسفی	۴۸ بالینی	۱۴۰۰
طاهرا سلاجقه	۱۷ بالینی	زهرا کارگر	۴۸ تربیتی	۱۴۰۲
محمد ذاکری نژاد	۱۷ عمومی - ۱۸ بالینی - ۳۳ کودکان - ۳۳ روان سنجی	زهرا نیایش راد	۴۸ تربیتی	۱۴۰۱
فاطمه اسماعیلی	۱۷ تربیتی	آیسودا راکتی	۵۰ تربیتی	۱۴۰۳
نیما خوش فطرت	۱۷ روان سنجی - ۲۳ کودکان - ۳۶ تربیتی - ۳۹ بالینی			۱۴۰۱



برای اطلاع از ستاره‌های سال ۱۴۰۴ روان آموز، QR code مقابل را اسکن کنید.
راستی تابه حال از خودتان پرسیده‌اید چرا شما یکی از هزار هزار ستاره ما نباشید؟!

♦ داوطلب وزارت علوم
♦ داوطلب وزارت بهداشت

دوازده

نظرات رتبه برترها

پارسا کفشچی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۳

از کتاب‌های مختلف روان‌آموز مخصوصاً رشد، علم‌النفس و پکیج ایستگاه آخر استفاده کردم که نظم خوبی به ذهنم داد و خیلی بهم کمک کرد. ایستگاه آخر دقیقاً شبیه دفترچه‌های کنکوره و اضطراب کنکور رو کم می‌کنه.

معصومه حسینی عید - رتبه ۲ کنکور ۱۴۰۲

آزمون‌های آزمایشی روان‌آموز، زمینه خوبی برای رقابت و سنجش آموخته‌هام فراهم کرد و فهمیدم برای بهبود رتبه‌ام باید کدوم منابع رو مطالعه کنم. پکیج ۱۰ سال کنکور روان‌آموز هم فرصت خوبی برای جمع‌بندی در روزهای پایانی بود.

زینب صالح‌زاده - رتبه ۸ کنکور ۱۴۰۲

هیچ دانشجوی روان‌شناسی نیست که روان‌آموز رو نشناسه. من هم از ابتدا می‌دونستم که روان‌آموز، بهترین کتاب‌ها رو در حوزه کنکور داره و اغلبشون رو داشتم و برام خیلی مفید بود. حتی در کنکور بهداشت هم خیلی کمکم کرد و اونجا هم رتبه ۷ بالینی شدم. روان‌آموز برایم یک راهنما و منبع مطمئن بود و از پیجش حال خوب می‌گرفتم.

محمد احمدوند - رتبه ۱۲ کنکور ۱۴۰۱

خوشبختانه پوشش جامع کتاب‌های روان‌آموز باعث شد که بی‌نیاز از مطالعه منابع اولیه باشم؛ این مسئله به ویژه درباره کتاب آسیب‌شناسی روانی صدق می‌کرد.

مرضیه زمانی - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۱

یک بار در آزمون آزمایشی شرکت کردم که در ترتیب پاسخ‌گویی به دروس خیلی کمکم کرد. فلش‌کارت‌های نارنگی رو داشتم. از کارگاه رشد خانم خجوی هم استفاده کردم. همچنین ممنونم از شون که به سری خدمات آموزشی در سایت روان‌آموز رو رایگان در اختیار داوطلبین قرار می‌دن.

سینا محمدباقری - رتبه ۳ کنکور ۱۴۰۰

با توجه به پراکندگی منابع، حجم گسترده و محدودیت زمانی که داشتم، دنبال یک منبع جامع و در عین حال اقتصادی می‌گشتم و در نهایت کتاب روان‌آموز رو انتخاب کردم و کاملاً راضی بودم.

فاطمه ایمانی - رتبه ۴۵ کنکور ۱۴۰۰

کلاس‌های بالینی و رشد خانم خجوی عبور از چالش رو برام ممکن کرد. بازخورد خوبی هم از یادگیریم می‌گرفتم. رشد سه برابر درصدهام رو نشون می‌داد. تمام مطالب سخت و مبهمی که برام وجود داشت با توضیحات عمیق خانم دکتر به نقطه قوت تبدیل شدن. مؤسسه روان‌آموز با تمام کتاب‌ها و کلاس‌ها و فلش‌کارت‌ها یک مرجع بی‌کم و کاست برای کنکور روان‌شناسیه.

انوشا ناصرطاهری - رتبه ۶ کنکور ۱۴۰۰

مطالعه برای ارشد روان‌شناسی رو از سایت روان‌آموز شروع کردم. رفرنس‌های معرفی شده رو پیدا کردم و خوندم. از کتاب‌های روان‌آموز استفاده کردم و راضی بودم چون پوشش‌دهی خوبی از نکات اصلی داره.

حدیثه حسینی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۳

رشد، بالینی و آسیب روان‌آموز رو خوندم که پوشش خیلی خوبی داره و کافیه. کلاس‌ها هم همین‌طور. روان‌آموز تو سال کنکور یه دلگرمیه.

فائزه جمالی - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۳

روان‌آموز بهترین همراه سال کنکوره. مهم‌ترین ویژگیش هم اینه که آدم رو از خوندن منابع متعدد نجات می‌ده. من فقط کتاب‌های روان‌آموز رو چندین بار خوندم و آزمون رو شرکت کردم. خب نتیجه هم گویاست. نیاز به مطالعه هیچ کتاب دیگه‌ای نیست.

مرضیه رحیمی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۲

با روان‌آموز از طریق خواهرم آشنا شدم که قبل از من کنکور کارشناسی ارشد داده بود. من، هم از کتاب‌ها و هم فلش‌کارت‌های نارنگی استفاده کردم و خیلی بهم کمک کردن. برای جمع‌بندی هم کلاس روان‌شناسی عمومی روان‌آموز برای مرور مطالب، خیلی مفید بود و همشون رو به بچه‌ها پیشنهاد می‌کنم.

علیرضا زارع - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۲

دوستی که منابع رو بهم معرفی کرد، از روان‌آموز به عنوان منبع معتبر و قابل اطمینانی یاد کرد. من هم از کتاب رشد روان‌آموز، کلاس مجازی انگیزش و هیجان و همین‌طور تست‌های تألیفی آسیب و بالینی استفاده کردم که خیلی خوب بود و بهم کمک کرد.

زهرا قاسمی - رتبه ۱ کنکور ۱۴۰۱

اصلاً باور نمی‌کردم همونطور که در آزمون جامع روان‌آموز رتبه تک‌رقمی شدم، در کنکور واقعی هم همینطور بشه. من از کتاب‌ها، کلاس‌ها و فلش‌کارت‌های نارنگی خیلی استفاده کردم و به نظرم واقعاً اثرگذار بود.

مجتبی حدائق - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۱

کلاس‌های رشد و بالینی خانم دکتر خجوی خیلی جامع مباحث رو پوشش می‌دادن و من دو هفته آخر برای دوره و مرور بهشون تکیه کردم و برای شخص من خیلی مفید و کاربردی بودن.

زهرا احمدی - رتبه ۹ کنکور ۱۴۰۱

من از کتاب‌ها و کلاس‌های روان‌آموز استفاده کردم. قطعاً نقش پررنگی در این مسیر داشت و اگر این کتاب‌ها به این خوبی تألیف نمی‌شدند، جمع‌آوری این نکات از کتب مختلف قطعاً کار طاقت‌فرسا و غیرممکنی بود. آزمون جامع مرحله یک رو هم شرکت کردم و در اون آزمون به نظرم سؤال‌های خیلی خوبی طرح شده بود.

سارا صابری - رتبه ۴ کنکور ۱۴۰۰

از همه محصولات روان‌آموز از جمله کلاس رشد و بالینی و کتاب‌ها استفاده کردم. واقعاً ممنونم که در سال کنکور نه مثل مؤسسه‌های کنکوری، بلکه مثل یک دوست واقعی کنارمون بودن.

محمدعلی حائری - رتبه ۵ کنکور ۱۴۰۰

لازم می‌دونم که یک تشکر ویژه از مجموعه روان‌آموز داشته باشم که واقعاً در موفقیت من مؤثر بود و به کنکوری‌های آینده هم کتاب‌ها و جزوات و مخصوصاً فلش‌کارت‌های نارنگی روان‌آموز رو پیشنهاد می‌کنم.

سارا جلوداری - رتبه ۷ کنکور ۱۴۰۰

من خیلی خوشحالم که در مسیر کنکور روان‌آموز رو کنارم داشتم؛ چون تیم کاملیه، چه از نظر منابع درسی و کلاس‌های آنلاین و چه از نظر طرح‌های مشاوره، انتخاب مناسبیه.

اگر مایلید مصاحبه‌های روان‌آموز با رتبه‌های تک‌رقمی را ببینید و از سرگذشت رتبه‌های برتر در سال کنکورشان مطلع شوید، QR code مقابل را اسکن کنید.



- احمدی، علی اصغر (۱۴۰۱). *روان شناسی شخصیت از دیدگاه اسلامی*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- اژه ای، جواد (۱۴۰۳). *روان شناسی از دیدگاه دانشمندان اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- بنی جمالی، شکوه السادات؛ احدی، حسن (۱۴۰۱). *علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی و تطبیق آن با روان شناسی جدید*. تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- حجتی، محمد باقر (۱۳۸۹). *روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حق، آمبر؛ یاسین، محمد (۱۴۰۱). *علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی*. ترجمه: مهدی گنجی. تهران: ساوالان.
- شیخ بهایی، محمد بن حسین (۱۳۹۵). *کشکول* (جلد ۱). ترجمه: مهدی صباغی. قم: انتشارات عصر آگاهی.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۱). *بدایة الحکمه*. ترجمه: علی شیروانی. قم: انتشارات دارالعلم.
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۲). *نهایة الحکمه*. ترجمه: مهدی تدین. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عثمان، عبدالکریم (۱۳۸۷). *روان شناسی از دیدگاه غزالی و دانشمندان اسلامی: مفهوم نفس و روان انسان*. ترجمه: سید محمدباقر حجتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کجیاف، محمدباقر (۱۴۰۲). *علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی (روان شناسی اسلامی)*. تهران: نشر روان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۳). *فلسفه اخلاق*. تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۶). *فطرت*. تهران: انتشارات صدرا.
- ناروئی نصرتی، رحیم؛ عبدی، حسن (۱۴۰۲). *علم النفس از دیدگاه اندیشمندان مسلمان*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نجاتی، محمد عثمان (۱۴۰۳). *علم النفس، روان شناسی از دیدگاه دانشمندان مسلمان*. ترجمه: سعید بهشتی. تهران: انتشارات رشد.



۰۲۱۸۲۸۰۸۱۸۰



info@ravanamooz.ir



۱۰۷۷۰۸۰



ravanamooz_team



ravanamooz.ir



ravanamooz



ravanamooz

ارتباط با ما



ravanamooz



company/ravanamooz



فصل ۱/ کلیات علم النفس	۱۷
فصل ۲/ انسان از دیدگاه کندی	۳۰
فصل ۳/ انسان از دیدگاه فارابی	۳۸
فصل ۴/ انسان از دیدگاه شیخ الرئیس ابن سینا	۵۰
فصل ۵/ انسان از دیدگاه غزالی	۶۸
فصل ۶/ انسان از دیدگاه شهروردی	۷۹
فصل ۷/ انسان از دیدگاه مُلّا صدرا	۸۷
فصل ۸/ انسان از دیدگاه سایر اندیشمندان مسلمان	۹۹
فصل ۹/ نظریات در مورد رابطه نفس و بدن	۱۱۴
فصل ۱۰/ هوش و عقل	۱۱۷
فصل ۱۱/ شخصیت	۱۲۱
فصل ۱۲/ سازمان دهی ویژگی‌های کلی حیات	۱۳۶
فصل ۱۳/ نفس	۱۴۳
فصل ۱۴/ عقل	۱۵۲
فصل ۱۵/ روح	۱۷۶
فصل ۱۶/ فطرت و غریزه	۱۷۹
فصل ۱۷/ قلب (صدر، فؤاد)	۱۹۵
فصل ۱۸/ انسان موجودی مختار یا مجبور؟ جمع‌گرا یا فردگرا؟	۲۰۱
فصل ۱۹/ ویژگی‌ها، محدودیت‌ها، نیازها و مراحل خلقت انسان	۲۰۵
فصل ۲۰/ سلامت روانی و درمان در اسلام	۲۱۴
سؤالات کنکور ۱۴۰۴	۲۲۴

فهرست مطالب

خوشحالیم که روان‌آموز را انتخاب کرده‌اید و در مسیر تبدیل شدن به یک روانشناس خبره، فرصت در کنار تان بودن را داریم. تمام تلاش ما این است که همراه بهتری باشیم.

حالا که به انتهای این فهرست رسیده‌اید برای بهبود این همراهی، به همکاریتان نیاز داریم. حتی یک ایده که به نظر خودتان شاید خیلی کوچک بیاید، ممکن است برای ما حسابی راهگشا باشد. در این لینک می‌توانید ایده‌هایتان را با ما به اشتراک بگذارید. یک فرم نظرسنجی هم خواهید دید که پاسخ‌گویی به آن، با جوایز ارزنده‌ای همراه است که پس از کنکور به قید قرعه تقدیم خواهد شد. برای ثبت ایده یا شرکت در نظرسنجی QR code را اسکن کنید.



داستان یک سفر

امید داریم لذت گشت و گذار در دنیای این کتاب به جانتان بنشیند. خوشحال می‌شویم اگر قبل از شروع کتاب، اهداف و رؤیاهای خود را در این زمینه بنویسید و عکس این صفحه را برای شرکت در کمپین داستان یک سفر و دریافت جوایز ارزنده، برای ما ارسال کنید.

کوپن اختصاصی ثبت نام رایگان آزمون‌های آزمایشی جامع روان آموز

پس از اسکن QR code، نوار زیر را خراشیده و سپس از کد یک بار مصرف مربوطه برای ثبت نام استفاده کنید.



در این فصل به کلیاتی از فلسفه و ارتباط آن با روان‌شناسی اشاره می‌کنیم و در فصول بعد نظریات هر دانشمند را به‌طور جداگانه بررسی می‌نماییم. از بین ابزارهای سه‌گانه شناخت در انسان، یعنی حس، عقل و قلب، فلسفه از ابزار عقل بهره می‌برد. فلسفه به‌عنوان یک دانش تلاش می‌کند از طریق ابزار عقل، مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل جهان هستی را بررسی کند. فلاسفه اسلامی در نظریاتشان در مورد نفس، بیشتر پیرو افلاطون و ارسطو هستند. یکی از منابع مورد استفاده آن‌ها در این زمینه، کتاب «النفس» ارسطو (معلم اول) است.

در روزگاری نه‌چندان دور که مطالعه سرشت انسان تنها در قلمرو فلسفه ممکن بود، روان‌شناسی نیز مانند بسیاری از رشته‌های علمی دیگر، از اعضای خانواده فلسفه به حساب می‌آمد؛ اما از قرن ۱۷ و پس از آن که زمینه برای رشد دانش تجربی گسترده شد و تخصص‌ها پدید آمدند، رشته‌های گوناگون علمی یکی پس از دیگری مشغول نزاع با فلسفه و تلاش برای جدایی از آن گشتند و آخرین مبحثی که از فلسفه جدا شد، روان‌شناسی در نیمه قرن نوزدهم بود. در نگاه اولیه، روان‌شناسی علمی کاملاً تجربی است که از فلسفه که دانش عقلی و برهانی است، جدا است. اما یک تحلیل روش‌شناختی حکایت از این دارد که روان‌شناسی آن‌چنان به فلسفه نزدیک است که نمی‌توان روان‌شناس صاحب نامی را عنوان کرد که صرف‌نظر از نگرش مثبت و یا منفی او به فلسفه، معتقد به نوعی فلسفه و نظریه فلسفی نباشد و همچنین مکتبی روان‌شناختی پیدا نمی‌شود که چند اصل از اصول فلسفی را پیش‌فرض خود قرار ندهد باشد. از این رو، آیا روان‌شناسان به کلی از فلسفه بی‌نیاز هستند یا این‌که با وجود جدا شدن این دو از یکدیگر، پیوند میان آن دو هنوز برقرار است؟

تاریخ روان‌شناسی

تاریخ روان‌شناسی را می‌توان به دو دوره اصلی تقسیم کرد: **دوره اول** از زمان فلسفه یونان باستان تا پایان قرون وسطی؛ یعنی در یک فاصله زمانی بیش از دو هزار سال که در طی آن، موضوع اصلی روان‌شناسی، ماهیت روح و جان انسان و تلاش برای شناسایی آن با روش‌های فلسفی بود. این دوره به «عصر روان‌شناسی مابعدالطبیعی یا ماقبل علمی» موسوم است و مکاتب سنتی و عمدتاً فلسفی-روان‌شناختی، به جدایی مطلق «نفس» و «بدن» باور داشتند. روان‌شناسی ماقبل علمی، بیش از حد فلسفی بود و مسئله مورد علاقه‌اش شناسایی حیات ذهنی بشر با روش‌های فلسفی بود. **دوره دوم** از عصر دکارت به بعد شروع می‌شود. دکارت توجه خود را از روح به ذهن و فرآیندهای ذهنی معطوف ساخت و پس از وی، ذهن در کانون توجه قرار گرفت و مجادله بر سر رابطه نفس و بدن با عناوین گوناگون در میان فلاسفه و روان‌شناسان شدت یافت. اما در اثر واکنش نسبت به فلسفه دکارت، «فلسفه تجربی» و نظام‌های وابسته به آن به وجود آمدند و به سرعت تحلیل تجربی ذهن جای بررسی عقلانی آن را گرفت و روان‌شناسی، جنبه تجربی یافت. بدین‌سان، روان‌شناسی نوین که در ابتدا بیش از حد فلسفی بود، به تدریج از فلسفه فاصله گرفت و جنبه علمی‌تری یافت؛ گرچه در ابتدا، ذهن‌گرایی مکتب حاکم بر تفکرات روان‌شناختی بود و روان‌شناسان، انسان را ترکیبی از بدن و ذهن در نظر می‌گرفتند و هوشیاری را معادل ذهن دانسته، روان‌شناسی را علم مطالعه هوشیاری و ذهن تعریف می‌نمودند، اما تحت تأثیر جو علمی حاکم بر قرن نوزدهم، مطالعه ذهن و هوشیاری که در کانون و متن روان‌شناسی قرار داشت، برای مدتی از روان‌شناسی حذف گردید و بیشتر به جنبه‌های رفتاری انسان توجه شد. در فلسفه اسلامی نیز از قدیم‌الایام در بخشی تحت‌عنوان «علم النفس»، به مسائل روان‌شناختی می‌پرداخته‌اند. در علم النفس، علاوه بر مباحث فیزیولوژیک و حواس ظاهری، به امور مربوط به بُعد انسانی نیز توجه بسیاری شده است.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری روان‌شناسی علمی

حدود دو قرن قبل از تشکیل روان‌شناسی جدید، نظریات علمی تازه‌ای عرضه شده و اکتشافات و اختراعات عظیمی تحقق یافته بودند که در تکوین اندیشه و جهت‌گیری علمی و فلسفی دانشمندان و در تغییر و تحولات علوم گوناگون تأثیرات مستقیمی بر جای گذاشته و بر شکل‌گیری و نگرش و جهت‌گیری روان‌شناسی نیز تأثیر بسزایی داشته‌اند. نظریه‌های «تجربه‌گرایی»، «اثبات‌گرایی» و «ماده‌گرایی»، از جمله جریان‌های فکری عمده‌ای هستند که بر حرکت روان‌شناسی علمی تأثیر داشته‌اند. مکتب «تجربه‌گرایی»، گرایشی مهم نسبت به روان‌شناسی ایجاد کرد و آغازگر تحولی ریشه‌ای در تفکر روان‌شناختی گردید؛ به‌گونه‌ای که از جمله عوامل مؤثر در جدا شدن روان‌شناسی از فلسفه و استقرار آن به‌صورت علمی مستقل به حساب می‌آید. روان‌شناسی تحت تأثیر تجربه‌گرایی به آزمایشگری نزدیک شد و شیوه جدیدی در مطالعات روان‌شناختی را که به «حس‌گرایی» منتهی شد، به همراه داشت. بدین‌سان، از آن‌رو که ذهن، قابل تجربه حسی و اندازه‌گیری آزمایشگاهی نیست، از مطالعات روان‌شناسانه حذف شد. تجربه‌گرایان ذهن را چیزی جز همان تراکم تدریجی تجربه‌های حسی نمی‌دانند. بنابر نظریات «فلسفه اثبات‌گرایی»، صرفاً واقعیت‌هایی که قابل مشاهده باشند، پذیرفته می‌شوند و در نتیجه، متافیزیک انکار می‌گردد. «اثبات‌گرایی» مدعی بود هرچه را نتوان به کمک حواس بدان دست یافت، غیرقابل شناخت است. در نتیجه، اثبات‌گرایی تمامی فلسفه مابعدالطبیعه را اساساً رد کرد و موجب تقویت گرایش‌های ضد «ذهن‌گرایی» و «درون‌گرایی» در روان‌شناسی گردید و زمینه‌های ایجاد روان‌شناسی رفتارگرایی را فراهم نمود. اعتقاد به فلسفه مکانیسمی و ماشین‌گرایی، تعیین‌کننده خط‌مشی حرکت روان‌شناسی در قرن نوزدهم و پس از آن بوده است. از آنجاکه همه جهان شبیه ماشین است، یعنی منظم، قابل پیش‌بینی، مشاهده و اندازه‌گیری می‌باشد، بنابراین همه چیز، حتی انسان را می‌توان در قالب مفاهیم فیزیک توصیف کرد

و در پرتوی ویژگی‌های فیزیکی بررسی نمود.

براین اساس، روان‌شناسی برای اعلام استقلالش از فلسفه و رسیدن به یک نظام علمی، مجبور بود روش‌ها، شیوه‌ها و ابزاری بیابد که در عین تناسب با موضوع روان‌شناسی، بر معیارهای علم نوین نیز منطبق باشند. بدین‌روی، روان‌شناسان در ابتدا با به کار بستن درون‌نگری، نشان دادند که می‌توانند از این روش به سود روان‌شناسی استفاده نمایند اما با پیشرفت روان‌شناسی و جهت‌گیری‌های تازه آن و شناخته شدن کاستی‌های درون‌نگری، فاصله گرفتن از روش درون‌نگری شروع شد و استفاده از آن محدود گردید و به روش‌های ملموس‌تر، اعتماد بیش‌تری پیدا شد.

ازسوی دیگر، نظریه «تکامل» داروین این نظر را مطرح ساخت که انسان اساساً تفاوتی با حیوان ندارد و این نظریه به تدریج کل روان‌شناسی را تحت الشعاع قرار داد و روان‌شناسی در واقع به صورت بخشی از مطالعه زیست‌شناختی موجودات زنده درآمد. همچنین، این اعتقاد به وجود آمد که انسان را باید به منزله یک «ارگانیسم» مطالعه کرد. این عقیده هم به سهم خود، به بی‌اهمیت جلوه دادن هوشیاری و ذهن کمک نمود و به گفته مک دوگال، «تکامل» تأثیر بسزایی در تأسیس روان‌شناسی بدون روح داشته است.

بدین‌سان، آنچه برای ایجاد علم جدید لازم بود، فراهم شد و تنها عینیت بخشیدن به نظریه‌ها مورد نیاز بود که زمینه این کار با رشد روش آزمایشگاهی، به‌ویژه در فیزیولوژی فراهم گردید. فیزیولوژی، مکانیسم‌های فیزیولوژیک و زیربنای پدیده‌های ذهنی را در آزمایشگاه مورد تحقیق قرار می‌داد. در نهایت، با ظهور روان‌شناسی آزمایشگاهی و فیزیولوژیک، روان‌شناسی علمی به دست دانشمندانی همانند وونت در سال ۱۸۷۹ به عنوان رشته‌ای جدید شکل گرفت.

ویلهم وونت علاوه بر فلسفه، استاد فیزیولوژی و آشنا به «روش‌شناسی علمی» نیز بود. وی سرسختانه به رابطه دوجانبه بین فلسفه و روان‌شناسی اصرار می‌ورزید و معتقد بود روان‌شناسی باید در تماس نزدیک با فلسفه پرورانه شود و به‌رغم اشتباقتش به آزمایش، عقیده داشت که تنها آن دسته از پدیده‌های ذهنی را که آمادگی پذیرش مستقیم تأثیر فیزیکی دارند، می‌توان مورد آزمایش قرار داد و تحقیق در فرآیندهای عالی ذهنی مانند تفکر و اراده، نیازمند استفاده از روش‌های دیگر می‌باشد. اما پس از مدتی نه‌چندان طولانی، دیوار بین جسم و ذهن فرو ریخت و روان‌شناسی در حدود سال ۱۹۳۰ رسماً به جرگه علوم تجربی پیوست.

رابطه روان‌شناسی با فلسفه

به‌درستی، فلسفه از دیرباز خود را متولی روان‌شناسی می‌دانسته است؛ زیرا کاوش‌های روان‌شناختی هم‌زمان با طلوع فلسفه آغاز گردیدند و تفکر روان‌شناختی بیش از ۲۴ قرن قبل، یعنی از دوران فلسفه یونان باستان تا اواخر قرن نوزدهم، بخشی از فلسفه به شمار می‌رفت و در بطن آن رشد یافت. در حقیقت، فیلسوفان بودند که به مباحث گوناگون درباره عملکردهای انسان در بخشی از فلسفه به نام «علم النفس» می‌پرداختند. بدین‌سان، روان‌شناسی تحت عنوان علم النفس، قرن‌های متمادی به عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فلسفه در مراکز علمی جهان، به‌خصوص در ایران تدریس می‌شد و کمتر فیلسوف و متفکری را از زمان ارسطو تا ملاصدرا می‌توان یافت که به مباحث احساس، ادراک، تفکر و توانایی‌های ذهنی نپرداخته باشد. براین اساس، می‌توان گفت فلسفه در طول قرن‌ها، نظریه‌هایی را صورت‌بندی کرده است که مبنای فلسفی روان‌شناسی نوین را تشکیل می‌دهند. از این‌رو، شاید فیلسوفان شایسته عنوان «مبتکر علم روان‌شناسی» باشند؛ چراکه ایشان بی‌تردید برای اولین بار مباحث مربوط به مسائل بنیادی روان‌شناختی را مطرح نموده‌اند. از این‌رو، هر مکتب روان‌شناسی از طریق پیش‌فرض‌های پنهان و آشکاری که ریشه در تعالیم فلسفی داشته، تکامل یافته است و نظریه‌های روان‌شناختی اغلب تحت تأثیر اندیشه فلسفی گذشته یا معاصر می‌باشند.

در اینجا، به برخی از این تأثیرات اشاره می‌شود. اگرچه ارسطو هرگز خردورزی و تعقل را نادیده نگرفت، اما نسبت به «مشاهده تجربی» نگرش مثبت داشت؛ به‌گونه‌ای که معتقد بود سرچشمه همه دانش‌ها «تجربه حسی» است. وی در تشریح دیدگاه تجربه‌گرایانه خود، قوانین «تداعی» را تدوین نمود و اصول تداعی‌اش بعدها پایه‌های مکتب «تداعی‌گرایی» را تشکیل داد که شدیدترین و مستقیم‌ترین تأثیر را بر روان‌شناسی علمی گذاشت و هنوز هم بخش عمده‌ای از روان‌شناسی به حساب می‌آید. از جمله فیلسوفان دیگر، دکارت می‌باشد که فلسفه‌اش بر نسل‌های بعدی تأثیری عمیق و گسترده داشته و به روان‌شناسی خدمت‌های زیادی کرده است. دکارت با مقایسه بدن انسان با ماشین، راه را برای مطالعه علمی انسان هموار کرد. او فیزیولوژیست‌ها را واداشت تا روش کالبدشکافی را به منظور بهتر شناختن ماشین بدن، به کار گیرند و از آن‌رو که می‌پنداشت انسان و حیوان از نظر فیزیولوژیکی شبیه هستند، مطالعه حیوانات برای شناخت انسان، از احترام ویژه‌ای برخوردار شد. از این‌رو، راه را برای «روان‌شناسی فیزیولوژیک» و «روان‌شناسی تطبیقی» هموار نمود.

توماس هابز با اعتقاد به این‌که تأثرات حسی، سرچشمه همه دانش‌ها هستند، مکتب تجربه‌گرایی را بازگشایی کرد و با این ادعا که رفتار انسان به وسیله میل‌ها یا بیزاری‌ها کنترل می‌شود، اندیشه جرمی بنتام را سامان بخشید که بگوید رفتار انسان تحت کنترل اصل لذت است؛ و این همان اندیشه‌ای است که به وسیله فروید و سایر روان‌شناسان تحلیلی به کار گرفته شد. ازسوی دیگر، می‌توان به کانت اشاره کرد. وی معتقد بود آنچه را ما به‌طور هوشیار تجربه می‌کنیم، هم تحت تأثیر تجربه حسی حاصل از جهان تجربی قرار دارد و هم متأثر از ذهن است که فطری می‌باشد و از این‌رو، فلسفه کانت را می‌توان پیشاهنگ «روان‌شناسی خبرپردازی» و علم شناختی دانست و در نهایت، می‌توان از جان لاک، فیلسوف تجربی انگلیسی، نام برد که موضع رفتارگرایان براساس نظریه وی استوار است.

بنابراین، کوشش‌هایی که در قرون گذشته توسط فیلسوفان در راه مطالعه انسان انجام شده بودند، زمینه را برای مطالعات گسترده درباره روان و رفتار فراهم ساختند و مکاتب روان‌شناسی یکی پس از دیگری در کمتر از دو قرن شکل گرفتند. اکنون می‌توان با برتناو هم‌عقیده بود که می‌گفت روان‌شناسی، هم یک علم

تجربی است و هم یک دانش غیرتجربی و غیرعینی. غیرعینی بودنش به این دلیل است که از پدیده‌های ذهنی و روابط آن‌ها بحث می‌کند و عینی بودنش به این خاطر است که دربارهٔ حالات روانی پژوهش می‌کند. براین اساس، می‌توان گفت هر جا در روان‌شناسی توجه به درک مبانی نظری و پدیده‌های روانی و روابط آن‌ها با بدن بیش‌تر باشد، به فلسفه نزدیک‌تر می‌شویم و هر جا به جهت‌گیری زیست‌شناختی و مبانی فیزیولوژی متمرکز شویم، به مباحث صرفاً روان‌شناسی نزدیک شده‌ایم. بنابراین، نمی‌توان روان‌شناسی را علمی کاملاً تجربی دانست؛ زیرا به گفتهٔ یونگ، اگر روان‌شناسی صرفاً یکی از فعالیت‌های مغزی تلقی شود، ارزش ویژه و کیفیت ذاتی خود را بلافاصله از دست می‌دهد و حاصل عمل غدد داخلی و در ردیف یکی از شاخه‌های فیزیولوژی به شمار می‌رود و به بیان اریک فروم، روان‌شناسی به صورت علمی درمی‌آید که فاقد موضوع اصلی خویش، یعنی روح انسان است. بدین سان، روان‌شناسی خواه‌ناخواه باید با واقع‌بینی تمام، مسائل فلسفی مربوط به ذهن و روان را به عنوان اصل موضوعی، زیربنای حرکت خود قرار دهد و نباید پنداشت که می‌توان با نفی مسئلهٔ نفس و بدن، رابطهٔ روان‌شناسی را از فلسفه گسست؛ چراکه این درست اقرار به ارتباط و تأثیر فلسفه در روان‌شناسی است. مسئلهٔ مشهور نفس و بدن و نوع ارتباط آن‌ها با یکدیگر از جمله مسائل فلسفی است که در نحوهٔ نگرش روان‌شناختی مؤثر بوده و در مکاتب روان‌شناسی نیز مطرح شده است. مسئله‌ای که در بستر فلسفه رشد و گسترش یافته و با شیوهٔ خاص فلسفی بررسی شده است و در تمام فرهنگ‌ها و ادیان و مذاهب مطرح بوده و مسئله‌ای انسانی و جهان‌شمول شده است. به نظر می‌رسد مسئلهٔ «ارتباط نفس و بدن» یا وحدت و کثرت آن‌ها، اولین و محکم‌ترین پیوند و اتصال میان فلسفه و روان‌شناسی را همواره برقرار کرده است.

امروزه تا حدی پذیرفته شده است که با مباحث صرفاً فلسفی و بدون در نظر گرفتن فعالیت‌های عصبی مغز و داده‌های روان‌شناسان، نمی‌توان رفتارهای انسان را توجیه و تبیین نمود و ازسوی دیگر، با تمرکز محض روی مکانیسم‌های عصبی و بدون توجه به یافته‌های فلسفی، نمی‌توان به ماهیت نفس و جان انسان و ارتباط نفس با بدن پی برد. ازاین‌رو، با توجه به تجربه‌های با ارزش به دست آمده، برخی روان‌شناسان و فیلسوفان نیاز دو جانبه به بحث دربارهٔ مسائل مورد علاقهٔ مشترک را دریافته و بخشی را به نام «روان‌شناسی فلسفی» به وجود آورده‌اند که زمینه‌ای برای بحث در مورد مسائل نظری گوناگون روان‌شناسی از دیدگاه فلسفی فراهم آورده است. خلاصه اینکه اگرچه روان‌شناسی تحت تأثیر علم و روش‌شناسی علمی، خود را به ظاهر از قید وابستگی‌های فلسفی رها ساخته و به صورت علمی مستقل و از خانوادهٔ علوم تجربی در آمده است، اما این دو تنها اسماً از هم جدا شده‌اند و نشانه‌های فراوانی در دست است که یک دوستی خوب برای هر دو طرف بسیار سودمند خواهد بود؛ زیرا نتایج تحقیقات روان‌شناسان سبب تکمیل دیدگاه‌های فلسفی در مورد نفس و بدن می‌شود و یافته‌های فلسفی کمک بزرگی به حل مسائل بنیادی روان‌شناسی می‌نماید.

روش‌شناسی

روان‌شناسی حکیمان مسلمان که از آن به علم النفس تعبیر می‌شود، یکی از شاخه‌های فلسفهٔ اسلامی است. بنابراین فیلسوفان مسلمان همان روش حل مسائل فلسفی را برای بررسی و حل مسائل مربوط به نفس و روان نیز به کار برده‌اند. فیلسوفان مسلمان بیش از همه بر روش عقلی تکیه کرده و در مواردی نیز از روش تجربی بهره جسته‌اند؛ زیرا با مراجعه به متون فلسفی مانند «الإشارات و التنبيهات» در کنار استدلال عقلی، به روش‌های تجربی رایج در آن زمان نیز استناد شده است. در ادامه، به بررسی چهار روش فلاسفهٔ اسلامی برای شناخت انسان می‌پردازیم:

● روش عقلی

برخی از حکمای اسلامی برای بررسی مسائل حکمت، تنها به مباحث مفهومی و استفاده از برهان‌های عقلی بسنده می‌کنند. آنان در هر مسئله‌ای از مسائل حکمت، نخست به توضیح مفاهیم این مسئله می‌پردازند و در ادامه با استفاده از استدلال‌های قیاسی مشتمل بر مقدمات یقینی، تلاش می‌کنند تا موضع خود را نسبت به هر مسئله به صورت نفی یا اثبات، معین سازند. این دسته از حکیمان در سنت حکمت اسلامی با نام «مُشائین» شناخته می‌شوند. برای فهم بیشتر این روش، به این مثال توجه کنید: میثم و سلمان برای سفری یک هفته‌ای منزل خود را ترک می‌کنند. در روز سوم سفر، میثم رو به سلمان می‌کند و از او می‌پرسد: «آیا هنگام ترک منزل برای ماهی‌های درون حوض حیاط، غذا ریخته‌ای؟» سلمان پاسخ می‌دهد: «آه! هنگام ترک منزل آب حوض را خالی کردم و متأسفانه اصلاً به یاد ماهی‌ها نبودم!» میثم نیز در واکنش به این گفتهٔ سلمان می‌گوید: «پس ماهی‌ها تا حالا مرده‌اند!» در واقع میثم در این سخن خود یک استدلال عقلی به کار برده است. استدلال او این‌گونه است: (۱) ماهی موجود زنده‌ای است که بدون آب زنده نخواهد ماند. (۲) درون حوض موجودات زنده‌ای وجود داشتند که بدون آب زنده نمی‌ماندند. (۳) موجودات زنده درون حوض ماهی هستند. (۴) چند روز حوض خانه بدون آب بوده است. (۵) چند روز ماهی‌های درون حوض بدون آب بوده‌اند. (۶) ماهی‌های درون حوض زنده نخواهند ماند. همان‌گونه که می‌بینید؛ در واقع میثم با چینش چند مقدمه که البته برخی از آن‌ها از مشاهدات حسی به دست آمده است و براساس شیوهٔ استدلال عقلی، به این نتیجه رسید که ماهی‌های درون حوض زنده نخواهند ماند.

● روش اشراقی

برخی دیگر از حکیمان برای حل مسائل فلسفی به روش شهودی تکیه می‌کنند. روش شهودی روشی است که در آن به صورت مستقیم و بدون واسطهٔ هرگونه مفهوم و صورت ذهنی استدلال و استنتاج، می‌توان به واقعیت دست یافت. به کارگیری این روش به مقدماتی نیاز دارد؛ مانند تزکیهٔ نفس. این دسته از فیلسوفان هر چند روش عقلی را رد نمی‌کنند و گاهی آن را ضروری نیز می‌دانند، ولی تلاش می‌کنند تا آنچه را که با استدلال عقلی می‌توان شناخت، از راه کشف و شهود و اشراق نیز بیابند. به تابش مستقیم نور خورشید «إشراق» گفته می‌شود. به نظر حکیمان اشراقی، حکیم با پاکسازی نفس خود، زمینه را فراهم می‌سازد تا علم که یک

حقیقت قدسی است، از عالم بالا بر قلب او بتابد. در سنت حکمت اسلامی به این دسته از حکیمان، «اشراقیون» گفته می‌شود و یکی از بزرگان حکمت اشراق، شهاب‌الدین شهروردی معروف به شیخ اشراق است. برای شناخت بیشتر نسبت به روش اشراقی به این مثال توجه کنید: «هرگاه شخصی با تهذیب نفس به مقامی برسد که بتواند باطن و صورت حقیقی افعال را مشاهده کند، مانند آنکه چهره واقعی سخن دروغ را با چشم دل ببیند، به معرفت اشراقی دست یافته است. این گونه شناخت و معرفت بدون واسطه صورت و مفهوم ذهنی به دست می‌آید و آن را علم حضوری می‌نامند.»

● روش متعالیه

یکی از مکاتب حکمت اسلامی، مکتب حکمت متعالیه و صدرالمتألهین (ملاصدرا) مؤسس این مکتب است. او در حکمت متعالیه ضمن اذعان به معتبر بودن روش عقلی و برهانی، بر روش اشراقی نیز تأکید می‌کند. براساس این دیدگاه، آنچه از روش عقلی و روش اشراقی به دست می‌آید با هم هماهنگ است و محصول این دو روش، با آنچه از قرآن و روایات معتبر از ائمه معصومین به دست ما رسیده است، کاملاً هماهنگ و سازگار می‌باشد؛ بنابراین می‌توان گفت که صدرالمتألهین با نزدیک کردن روش عقلی و شهودی و متحد کردن آن‌ها، حکمت متعالیه را تأسیس کرد.

● روش تجربی

به روشی گفته می‌شود که براساس مقدمات حسی و مشاهدات موارد متعدد جزئی بررسی می‌شود. در این روش، ما با بررسی موارد جزئی به یک حکم کلی می‌رسیم. برای مثال، با بررسی موارد زیادی که حرارت دادن به فلز موجب انبساط آن شده است، به این نتیجه می‌رسیم که حرارت باعث انبساط هر فلزی می‌شود. روش تحقیق در روان‌شناسی امروزی نیز، برخلاف گذشته که عقلی بود، براساس مشاهده و تجربه است. به همین دلیل، روان‌شناسان جدید برخلاف فلاسفه که به تعریف و اثبات نفس و قوای آن می‌پرداختند، به حالات روانی یا کیفیات نفسانی می‌پردازند. البته یک استثناء وجود دارد: ابن‌سینا در مباحث فلسفی روش علمی امروزی را نیز به کار می‌برد؛ بدین ترتیب که ابتدا از امور محسوس و مشهود آغاز می‌کرد و به تدریج، به امور نامحسوس و عقلی می‌رسید. روش‌های علمی مثل روش روان‌شناسی فیزیولوژیک و روش تحلیل روانی، توسط ابن‌سینا مورد استفاده قرار گرفته است. در نیمه دوم قرن نوزدهم، جان استوارت میل، روان‌شناسی را علمی مستقل و مبتنی بر مشاهده و آزمایش توصیف کرد. دو دانشمند آلمانی، وبر و فخنر نیز نشان دادند که می‌توان کیفیات روانی را به کمیت تبدیل کرد. تلاش‌های گالتون در انگلستان نیز در همین راستا بود و به‌طور کلی حرکت فیلسوفان آلمانی و انگلیسی و فرانسوی موجب شد تا دیدگاه‌های فلسفی، عقلی، شهودی و انتزاعی در روان‌شناسی رنگ ببازد و به تدریج، معیارهای تجربی همچون اندازه‌گیری و سنجش، در تعریف پدیده‌های ذهنی و احساسی جا باز کند. آگوست کنت به عنوان بنیان‌گذار اثبات‌گرایی برای مطالعه کنش‌های احساسی و عقلانی بر دو نوع مطالعه تأکید می‌ورزد: (۱) تعیین دقیق اوضاع ارگانیکی زیربنای آن کنش‌ها، (۲) مشاهده متوالی رفتار. اثبات‌گرایی، طبیعت انسانی را به جنبه ارگانیکی و فیزیکی آن فرو می‌کاهد و هیچ نوع احساس و شعور یا نظام مرتبط با زندگی درونی را نمی‌پذیرد. براساس مطالبی که درباره روش حکیمان مسلمان بیان کردیم، می‌توان گفت درحالی‌که روان‌شناسان غربی کاملاً روش عقلی را کنار گذاشته و بر روش تجربی تأکید می‌کنند، حکیمان مسلمان از دو روش عقلی و تجربی استفاده کرده‌اند که شاهد آن استفاده از روش تجربی در توضیح شیوه عملکرد دستگاه بینایی است. بنابراین، می‌توان گفت که مهم‌ترین تفاوت علم النفس در سنت فلسفه اسلامی با روان‌شناسی جدید، تمایز آشکاری است که در روش‌شناسی آنان به چشم می‌خورد. همچنین، روش تحقیقی که در مباحث علم النفس به کار می‌رود، از نوع تحقیقات پایه‌ای و نظری است. تحقیقات بنیادی یا پایه‌ای از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. تحقیقات کاربردی برای یافتن راه‌حلی درباره یک مشکل مهم در جامعه، یک سازمان صنعتی یا اداری انجام می‌شود. هدف اصلی تحقیقات توسعه‌ای نیز، نظریه‌پردازی یا آزمون نظریه نیست؛ بلکه توسعه محصولات یا فرآیندهای جدید، تهیه یا تدوین برنامه‌ها، طرح‌ها و امثال آن است. بنابراین، علم النفس به دلیل نظری بودن، جزو تحقیقات پایه قرار می‌گیرد.

معنا و مفهوم علم النفس و معرفت نفس

در متون و منابع مربوط به نفس و روان، اصطلاح «علم النفس» دو کاربرد متفاوت دارد. در کاربرد نخست و در زبان عربی معاصر، برای اشاره به علم روان‌شناسی به کار رفته که در دو قرن اخیر شکل گرفته و گسترش یافته است. کاربرد دوم علم النفس، مجموع مباحث درباره نفس و روان است که عمدتاً با استفاده از روش عقلی و فلسفی بررسی می‌شود. این معنا از علم النفس، بخشی از مباحث عقلی و شاخه‌ای از شاخه‌های فلسفه محسوب می‌گردد.

حکمت و فلسفه در ابتدا به دو بخش تقسیم می‌شود: حکمت نظری و حکمت عملی. حکمت نظری خود به سه بخش تقسیم می‌شود: الهیات، طبیعیات و ریاضیات. حکمت عملی نیز به سه بخش تقسیم می‌گردد: اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مُدُن. این تقسیم از زمان ارسطو رواج داشته است و براساس آن، حکمای مشائی مسلمان نیز در بخش طبیعیات به مباحث مختلفی می‌پرداختند، از جمله فلک‌شناسی، عنصرشناسی، معدن‌شناسی، گیاه‌شناسی، حیوان‌شناسی و نفس. بنابراین طبق این نگرش، مباحث مربوط به نفس زیرمجموعه علم طبیعیات قرار می‌گیرد؛ زیرا در نظر آنان نفس کمال جسم و صورت نوع طبیعی است. اما از نظر صدرالمتألهین، بحث نفس در زمره مباحث الهیات قرار دارد و علت این کار آن است که از نظر او و سایر حکمای حکمت متعالیه، حقیقت نفس اگرچه در ابتدا جسمانی و طبیعی می‌باشد، ولی در نهایت موجودی مجرد و الهی است. در بین حکمای معاصر نیز علامه طباطبائی به نفس به منزله یک جوهر در ضمن مباحث ماهیت و در تقسیمات جوهر اشاره کرده است.

گفتیم که حکمت به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود. اکنون می‌افزاییم که غایت هر یک از این دو بخش، با غایت بخش دیگر تفاوت دارد. در حکمت نظری،

غایت آن است که انسان حقایق موجود در جهان را بشناسد و از این راه موجودی شود مشابه نظام جهان خارج که در نفس او شکل گرفته باشد، اما در حکمت عملی غایت آن است که نفس انسان بر بدن مسلط و بدن پیرو و فرمانبردار نفس شود. اگر بدن پیرو نفس و تابع عقل شود، نفس، بدن را در راه رشد و استكمال قرار خواهد داد؛ بنابراین می‌توان گفت که آشنایی با مسائل مربوط به نفس، افزون بر اینکه انسان را با بخشی از واقعیت و جهان خارجی آشنا می‌سازد، به او کمک می‌کند تا از ابزار لازم برای رساندن نفس خود به سعادت استفاده کند.

علم النفس از دو کلمه «علم» و «النفس» ترکیب شده است. بنابراین پی بردن به معنای آن مستلزم شناخت معنای این دو واژه خواهد بود که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم:

۱) علم: مراد از علم هرگونه آگاهی و شناخت نیست، بلکه مراد آن شناختی است که از راه تجربه به دست نیامده باشد. گاهی برای متمایز شدن این معنا از علم النفس و معنای تجربی آن، صفت «فلسفی» را نیز به آن می‌افزایند و تعبیر «علم النفس فلسفی» را به کار می‌برند.

۲) نفس: در متون روان‌شناسی، چند اصطلاح به کار می‌رود که گرچه دقیقاً به یک معنا نیستند، اما معنای آن‌ها بسیار به هم نزدیک است. این اصطلاحات عبارت‌اند از: «نفس»، «روح» و «روان». در متون انگلیسی نیز از کلمات «mind» و «soul» برای اشاره به این معانی استفاده می‌شود. اصطلاح «نفس» بیشتر در متون فلسفی به کار می‌رود، درحالی‌که اصطلاح «روح» اغلب در متون دینی و روایی (روایت‌ها) به چشم می‌خورد. کلمه «روان» نیز که در ترجمه هر دو اصطلاح به کار می‌رود، در متون فارسی جدید استفاده می‌شود. اگر بخواهیم خیلی ساده بگوییم، انسان دارای دو بُعد است: مادی و غیرمادی. بُعد مادی انسان که همان بدن است و چون مادی است، بنابراین ویژگی‌های مواد را نیز دارد، مثلاً محدود به مکان و زمان است، یعنی در آن واحد، فقط می‌تواند در یک زمان و مکان مشخص و واحد باشد. و اما بُعد غیرمادی انسان، ویژگی‌های مواد را ندارد و به آن نفس، روح یا روان می‌گویند. در زبان انگلیسی، پیش‌تر از کلمه «soul» استفاده می‌شد، ولی پس از آنکه دکارت برای پی بردن به وجود نفس، راه آگاهی را مطرح کرد، رفته رفته بیشتر از کلمه «mind» که متضمن جوهر بودن نفس نیست، استفاده می‌شود (نفس اصل و اساس انسان نیست، بلکه نتیجه فعالیت جسم و وابسته به آن است).

اصطلاح نفس هر چند در ابتدا در متون و منابع حکمای یونان، مانند افلاطون و ارسطو به کار رفته است، اما در اصطلاح حکمای اسلامی، کمال حیاتی است که موجود زنده را از موجود غیرزنده جدا می‌کند. موجود زنده‌ای که واجد چنین کمالی شود، ویژگی‌هایی خواهد داشت از جمله رشد، تولیدمثل، تغذیه، نمو، دفاع از خود و تعقل. خلاصه آنکه در فلسفه اسلامی به چنین نیرویی نفس گفته می‌شود. تفاوت روح و نفس این است که اگر مبدأ حیات از این جهت که مادی نیست در نظر گرفته شود، کلمه «روح» برای آن به کار برده می‌شود و اگر مادی بودن یا نبودن آن مورد نظر نباشد، بلکه ارتباط آن کمال حیاتی با جسم مدنظر باشد، کلمه «نفس» را به کار می‌برند. به بیان دیگر، در کلمه نفس جنبه ارتباط داشتن با بدن نهفته است، درحالی‌که در کلمه روح، داشتن چنین ارتباطی لحاظ نشده است؛ به همین دلیل هنگام جدا شدن نفس از بدن، از آن به روح تعبیر می‌شود. بنابراین، در مجموع می‌توان گفت که مقصود از اصطلاح علم النفس، عبارت است از «شناختی عقلی که از راه استقرا و تجربه به دست نیامده باشد و موضوع آن نیز نیرویی در موجودات است که آن‌ها را به حفظ خود در برابر تهدیدات وامی‌دارد».

میان علم النفس فلسفی و معرفت النفس تفاوت وجود دارد. این تفاوت به روش و شیوه شناخت نفس باز می‌گردد. اگر روشی که برای شناخت نفس برگزیده می‌شود، روشی عقلی باشد که تنها با استفاده از قیاس‌های یقینی به شناخت نفس می‌پردازد، به معرفت به دست آمده علم النفس گفته می‌شود و اگر روش به کار رفته برای شناخت نفس تنها از راه شهود و اشراق و علم مستقیم و بی‌واسطه باشد، به معرفت به دست آمده، معرفت نفس گفته می‌شود. اصطلاح دیگری که در برخی از کتاب‌ها و منابع درباره نفس به چشم می‌خورد؛ «خودشناسی» است. منظور از خودشناسی شناختی است که هر فرد نسبت به نفس خود به دست می‌آورد تا این شناخت را مقدمه و ابزاری برای به کمال رساندن و پرورش کمالات اخلاقی نفس خود قرار دهد. بنابراین می‌توان گفت گرچه اصطلاح «خودشناسی» بیشتر در متون و منابع علم اخلاق به کار می‌رود، اما معنای آن با معنای معرفت نفس تفاوت آشکاری ندارد.

نفس در فلسفه اسلامی

تعریف فلاسفه مسلمان از نفس، تابع افلاطون و ارسطو است. به همین دلیل بهتر است ابتدا با نظرات این دو فیلسوف آشنا شویم. براساس تعریف افلاطون، نفس عبارت است از «آنچه حیات موجود زنده به آن بستگی دارد». مراد او از بستگی داشتن، به وجود آورنده است و منظور از حیات نیز نیرویی است که در جسم وجود دارد و زمینه‌ای می‌شود تا در برخی از موجودات، غذا خوردن و رشد کردن وجود داشته باشد و در برخی دیگر از موجودات، علم‌آموزی و قدرت وجود داشته باشد. همان‌گونه که از سخن افلاطون درباره چیستی نفس به دست می‌آید، او نفس را براساس علت بودن تفسیر کرده است؛ یعنی نفس را علت حیات موجود زنده و آثار آن می‌داند. اکنون به سراغ تعریف ارسطو از نفس می‌رویم. براساس دیدگاه ارسطو، نفس عبارت است از «کمال اول برای جسم طبیعی دارای اندام و ابزار (آلی) که کارهای مربوط به حیات موجود زنده، توسط آن‌ها انجام می‌شود (بالقوه دارای حیات). برای فهم بیشتر تعریف ارسطو، باید تک تک واژگان او را موشکافی کنیم:

۱) کمال اول: در فلسفه، دو نوع کمال داریم. کمال اول یا اصلی، هرگونه صفتی است که بودن نوع به آن بستگی دارد، یعنی ذات و حقیقت آن شیء را تشکیل می‌دهد، به گونه‌ای که در صورت نبود این دسته از ویژگی‌ها، شیء اصلاً پا به عرصه وجود نمی‌گذاشت. همچنین برای کارش به دیگری نیاز ندارد (قائم به ذات خود) و مصدر افعال و حالات است. توضیح آنکه این ویژگی‌ها نخستین کمالی است که شیء باید دارا باشد تا نوع خاصی مانند انسان یا هر نوع موجود دیگر شکل بگیرد و به عبارت دیگر، نفس فعلیتی است برای موجود زنده که هویت آن موجود به آن بستگی دارد. برای مثال، اگر یک درخت را در نظر بگیریم، برای اینکه اصولاً درختی در جهان

خارج به وجود آید، باید جسم باشد و علاوه بر جسم بودن، دارای رشد و نمو باشد و همین نیرو و کمال خاص را که درخت به دست آورده است، «نفس» می‌نامند. بنابراین نفس، کمال اول برای جسم طبیعی است، به آن علت که تغذیه، رشد و نمو دارد. کمال دوم یا عرضی ویژگی‌هایی است که پس از آنکه شیء به وجود آمد و ویژگی‌های مربوط به کمال اول در آن ظهور یافت، در صورتی که آن ویژگی‌های عرضی را دارا شود، وجود کامل‌تری خواهد یافت. برای مثال پس از آنکه درختی به وجود آمد (جسم دارای تغذیه، رشد و نمو به وجود آمد)، پس از گذشت زمانی به مرحله میوه‌دهی می‌رسد. درختان از نظر نوع و کیفیت میوه تفاوت می‌کنند و درختی که میوه مرغوب‌تری می‌دهد، نسبت به درختی که میوه آن مرغوب نیست، از کمال بیشتری برخوردار است. از این رو می‌توان گفت ویژگی «میوه مرغوب دادن» کمال دوم است. براساس این تعریف از نظر ارسطو، نفس به معنای آن حقیقت، نیرو و فعلیتی است که باعث می‌شود یک شیء دارای رشد، نمو و تولید مثل گردد. ۲) جسم: موجودی است که داشتن نفس باعث تحقق آن در خارج می‌گردد. جسم جوهری است که دارای طول، عرض و ارتفاع می‌باشد. اما این جسم هر جسمی نمی‌تواند باشد، بلکه باید دارای دو شرط باشد: طبیعی و آلی.

۳) طبیعی: یعنی ساخته دست بشر نباشد یا مصنوعی نباشد.

۴) آلی: یعنی دارای آلت، ابزار و اندام باشد و هرکدام از آن‌ها وظیفه‌ای خاص برای ادامه حیات جسم بر عهده دارند.

۵) بالقوه دارای حیات: یعنی توانایی زندگی و حیات را دارد.

نتیجه‌گیری: نفس صادرکننده افعال و حالات به جسم طبیعی دارای حیاتی است که این افعال و حالات را به وسیله آلات و ابزار خود انجام می‌دهد. یعنی آن بُعد از وجود انسان که از جسم به عنوان ابزار استفاده می‌کند تا فعالیت‌های خودش را انجام دهد، نفس انسان است. به عبارت دیگر، نفس آن چیزی است که باعث می‌شود جسم انسان، متفاوت از سایر جسم‌ها عمل کند و در نتیجه، نوعی از موجودات به نام انسان با ویژگی‌های مربوط به خودش پدید آید. یک مثال برای فهم بیشتر: یک تبر را فرض کنید. این تبر یک ابزار و کاری که با آن انجام می‌دهند، بریدن و تکه کردن است. جسم انسان مانند چوب و آهن خامی است که تبر از آن ساخته شده است و نفس او همان شکل و شمایلی است که تبر به خود گرفته تا بتواند کار بریدن و تکه کردن را انجام دهد.

علاوه بر تعریف‌ها و ویژگی‌هایی که در بالا بیان شد، فلاسفه نفس را «جوهری مستقل از بدن» نیز می‌دانستند و برای آن قوایی در نظر می‌گرفتند. این افراد به تعریف و اثبات نفس و قوای آن می‌پرداختند. برای فهم تعریف بالا، ابتدا باید با مفاهیم «جوهر» و «عرض» آشنا شوید. فیلسوفان در تقسیمی، موجودات را به جوهر و عرض تقسیم می‌کنند. یک شیء را در نظر بگیرید که برای تحقق یافتن، به یک موضوع نیاز و قوام داشته باشد (قائم به دیگری باشد) و آن موضوع، از این شیء بی نیاز باشد، در این صورت آن را «عرض» می‌نامند. حال اگر یک شیء برای تحقق یافتن، به موضوعی نیاز و قوام نداشته باشد و مستقل از موضوع، محقق گردد، به آن «جوهر» گفته می‌شود. مثلاً برای آنکه رنگ در خارج وجود یابد، به یک موضوع نیاز دارد تا عارض آن گردد، یعنی باید موضوعی به نام جسم باشد تا رنگ بر روی آن نقش ببندد و جسمی که رنگ بر آن عارض شده است، برای موجود بودن به داشتن رنگ احتیاجی ندارد. درحالی‌که درخت برای آنکه به وجود آید، به موجود دیگری نیاز ندارد تا عارض آن گردد، بلکه خودش می‌تواند به صورت مستقل وجود داشته باشد. حال با دقت در تعریف‌هایی که برای نفس ارائه شد می‌توانیم دریابیم که طبق برخی از تعریف‌ها، نفس از انواع جوهر است و عرض نیست؛ زیرا آنچه مَقوم جسم (که نوعی جوهر محسوب می‌شود) باشد، خودش نیز جوهر است. به عبارت دیگر، نفس مَقوم جسم و مقوم نوع بودن جسم است و با توجه به اینکه جسم یکی از جوهرها می‌باشد، محال است که عرض، مقوم و قوام بخش جوهر باشد. از این رو، نفس خود جوهر خواهد بود.

یکی دیگر از ویژگی‌های نفس آن است که «ذاتاً غیرمادی و فعلاً مادی» است، یعنی اگرچه ذات آن مجرد و غیرمادی است، اما در مقام فعل و انجام کارهایش به ماده، یعنی بدن نیاز دارد. برای مثال، بخشی از فعالیت‌های نفس به ادراک مربوط می‌شود. مثلاً انسان برای دیدن از چشم، برای شنیدن از گوش و برای چشیدن از زبان استفاده می‌کند و بدون داشتن این اعضای مادی، نمی‌تواند به ادراک امور مذکور بپردازد. نکته مهمی که در این زمینه باید بدان توجه کرد این است که نقش اعضای مادی و جسمانی، تنها در حد زمینه‌سازی و اعداد است و حقیقت ادراک، فعالیت است که از سوی خود نفس انجام می‌گیرد. به عبارت دیگر علت و عامل اصلی ادراک، نفس است و بدن، صرفاً ابزار ادراک محسوب می‌گردد. به موجوداتی که هم ذاتاً و هم فعلاً مجرد هستند (مانند فرشتگان)، مجرد تام و به موجوداتی که ذاتاً مجرد هستند اما در مقام فعل، نیازمند ماده و بدن هستند و با موجودات مادی در ارتباط هستند و به ماده نیاز دارند، مجرد غیرتام می‌گویند. نفس از قسم اخیر می‌باشد؛ یعنی همانطور که بیان شد، نفس موجودی است که به رغم آن که گوهر و حقیقت آن مجرد و غیرمادی است، برای انجام فعالیت‌های خود به بدن نیاز دارد.

تَجَرُّدِ نَفْس

برخی فلاسفه ضمن اذعان به وجود نفس، آن را موجودی مادی می‌دانند. اغلب این افراد کسانی هستند که نه تنها نفس، بلکه هر موجود مجرد و غیرمادی دیگری را نیز منکر می‌شوند. از نظر این دسته از افراد، جهان چیزی جز مجموعه موجودات مادی نیست به این دیدگاه، «ماده‌باوری» یا «ماتریالیسم» گفته می‌شود. در مقابل، بسیاری از فیلسوفان مسلمان با ارائه دلیل‌های فلسفی، نفس را موجودی مجرد می‌شمارند. کلمه مجرد از نظر لغوی به معنای جدا شده و غریب گشته می‌باشد. در فلسفه زمانی از موجودی به عنوان مجرد تعبیر می‌شود که فاقد ویژگی‌های موجودات مادی باشد. توضیحاً اینکه به طور کلی موجودات جهان به سه دسته تقسیم می‌شوند: موجودات مادی، موجودات مثالی و موجودات عقلی. هر یک از این اقسام، ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از قسم دیگر متمایز می‌سازد. علامه طباطبایی در توضیح ویژگی‌های موجودات مادی می‌گوید: این دسته از موجودات به گونه‌ای هستند که اولاً، دارای قوه و استعداد هستند؛ ثانیاً، هنگام

تکون و ایجاد شدن، فاقد همه کمالات اولی و ثانوی هستند. موجود مادی پس از آنکه واجد کمالات اولی شد، رفته رفته کمالات ثانوی را نیز به دست می آورد؛ ثالثاً، دستخوش تغییر و حرکت می شود؛ رابعاً) قابل انقسام و تقسیم به اجزاء است؛ خامساً) زمان مند است و سادساً) مکان مند است. اما موجود مثالی به موجودی گفته می شود که همچون موجودات مادی، دارای طول، عرض و ارتفاع است ولی فاقد جرم است؛ مانند تصویر ذهنی از یک انسان. موجود عقلی نیز فاقد جرم و همچنین فاقد ابعاد سه گانه طول، عرض و ارتفاع است؛ مانند مفهوم کلی انسان. از موجودات مثالی و عقلی به موجودات مجرّد تعبیر می شود و منظور موجوداتی است که فاقد ویژگی های مادی هستند.

به نظر فلاسفه اسلامی، جوهر انسان با جوهر سایر موجودات متفاوت است؛ زیرا اگر جوهر آن ها یکسان بود، کمالات و افعال و صفات آن ها نیز یکسان بود، درحالی که یکسان نیست. جوهری که به انسان تعلّق دارد، محسوس (مادی) نیست؛ بلکه معقول (غیرمادی و مجرّد) است. به همین دلیل صفات محسوسات و مادیات را ندارد؛ بلکه ویژگی هایی غیرمادی و روحانی دارد. این جوهر معقول که در شرع و دین، روح و در فلسفه و حکمت، نفس یا نفس ناطقه نام دارد، دارای دو شاخصه یا دو بُعد است: ۱) علم به معقولات کلیه و وسیله ای برای خداشناسی (نظری)، ۲) عمل خیر و نیک که از اراده عقلانی سرچشمه می گیرد نه از شهوت (عملی). به عبارت دیگر، از نظر فلاسفه همین بُعد غیرمادی انسان (نفس)، دو کار انجام می دهد: ۱) فعالیت های نظری و فکری (غیرعملی) ۲) فعالیت های عملی و ارادی (غیرنظری). به نظر فلاسفه اسلامی، آفرینش انسان تفاوت زیادی با دیگر موجودات دارد که مهم ترین تفاوت آن، برخورداری انسان از قدرت اراده و اختیار است. البته با وجود اینکه تقریباً تمامی فلاسفه مسلمان قبل از ملاصدرا، نفس را ذاتاً و کاملاً مجرد می دانند (یعنی حدوث و بقای آن را غیرمادی می دانند)، اما صدرا المتألّهین نظر متفاوتی دارد. از نظر ایشان، نفس کاملاً مادی نیست. نفس در آغاز پیدایش خود جسمانی است و رفته رفته و در اثر تکامل وجودی به مرحله تجرد می رسد؛ مانند کرم ابریشمی که پس از گذشت مدت زمانی، به پروانه تبدیل می شود. دلایل تجرد نفس انسان به چهار دسته دلایل عقلی، تجربی، آیات و روایات تقسیم می شود.

● دلایل عقلی تجرد نفس

۱) وحدت هویت: هر انسانی از ابتدای زندگی تا زمان مرگ، دارای یک هویت واحد است؛ درحالی که بدن او دائم در حال تغییر و تحول است. حتی براساس یافته های جدید، همه سلول های بدن انسان در ظرف کمتر از ده سال تجدید می گردند. اکنون پرسشی که مطرح می شود این است که اگر نفس انسان نیز امری مادی مانند بدن می بود، باید نفس انسان نیز دچار تجدید می گشت، درحالی که هویت انسان در طول دوره زندگی باقی است.

۲) استحالة انطباق کبیر بر صغیر: این دلیل براساس محال بودن جاسازی بزرگ در کوچک یا همان استحالة انطباق کبیر بر صغیر است. در این استدلال، از مجرد بودن ادراک به مجرد بودن نفس پی می بریم. بی تردید هر انسانی اموری را درک می کند؛ از جمله این امور برخی از چیزهایی است که بسیار بزرگ می باشد، مانند کوه. حال تصویر این کوه بزرگ نزد نفس انسان حاضر است. اگر نفس موجودی مادی بود، نقش بستن تصویر آن در نفس محال بود، زیرا جای گرفتن موجود بزرگ در موجود کوچک امکان پذیر نیست. بنابراین نفس امری مجرد و غیرمادی است.

۳) برهان هوای آزاد (هوای طلق): براساس این برهان، انسان به خودش علم و آگاهی بدون واسطه (علم حضوری) دارد. انسان می تواند خودش را به دور از هرگونه ادراک و احساس دیگری مانند احساس تشنگی، گرسنگی، غم و شادی بیابد. آنچه که در این حالت می یابد، خود او است، نه جسم یا چیز دیگری از امور دیدنی و شنیدنی. با توجه به اینکه انسان در همان حالی که خود را یافته است، هیچ یک از امور جسمانی را نمی یابد، می توان به این نتیجه رسید که خود انسان غیر از بدن او و حتی غیر از حالاتی مانند آگاهی، گرسنگی، غم و شادی است. بنابراین نفس انسان جسمانی و مادی نیست.

● شواهد تجربی تجرد نفس

۱) تجربه های نزدیک به مرگ: در تمام تجربه های نزدیک به مرگ، شخص خود را خارج از بدن خویش احساس کرده است و اموری را مشاهده می کند که در حالت عادی و با چشم دیده نمی شوند. گزارش این حالت گواه آن است که حقیقت انسان در این بدن مادی خلاصه نمی شود و انسان دارای بعدی ماوراء ماده و طبیعت است که ما از آن به نفس تعبیر می کنیم.

۲) رؤیای صادق: در برخی از منابع روان شناسی، بر نقش و تأثیر خواسته ها، انگیزه ها (آگاهانه یا ناآگاهانه) و ذهنیات فرد در محتوای خواب اشاره شده است؛ ولی آنچه در این بخش مقصود ما است، خواب هایی می باشد که فراتر از خواب های معمولی است و نشانه ای از تأثیر خواسته ها و انگیزه ها در آن به چشم نمی خورد. منظور از رؤیای صادق مشاهده حادثه ای است که فرد در زمان بیداری به هیچ وجه به آن توجه نداشته و هیچ گونه دغدغه فکری و ذهنی نسبت به آن نداشته است، ولی پس از مدتی حادثه ای که در خواب می بیند؛ به هنگام بیداری جامه عمل به خود می پوشد. به عبارت دیگر، برخی خواب ها و رؤیای امور حکایت می کنند که در آینده اتفاق می افتند، بدون اینکه هم اکنون علت و عوامل آن وجود داشته باشد. این گونه حوادثی که در آینده اتفاق می افتد، اموری نیست که بتوان آن را در حال حاضر و با ابزار حسی و تجربی مشاهده کرد، زیرا ابزارهای حسی و تجربی، زمان مند و مکان مند هستند و نمی توان با استفاده از آن ها از مرزهای زمان حال گذر کرد و پدیده هایی را مشاهده نمود که در آینده رخ خواهد داد. از این رو مشاهده حوادث آینده در خواب را نمی توان با تبیین های تجربی توجیه کرد. بنابراین رؤیای صادقه می تواند نشانه ای از این واقعیت باشد که آدمی دارای بُعدی غیرمادی است و می تواند از طریق ارتباط با عالم وراء مادی، از مرز زمان و مکان عبور کند و حوادث آینده را آن گونه که پدید خواهد آمد، مشاهده نماید. در قرآن کریم در موارد بسیاری از رؤیای صادق سخن به میان آمده است که برخی از آن ها عبارت اند از: خوابی که حضرت یوسف در کودکی دید و در خواب مشاهده کرد که خورشید و ماه با یازده ستاره به او گُرشن می کنند (یوسف: ۴). همچنین هنگامی که حضرت یوسف در

زندان بود، دو تن از هم‌بندان او خواب‌های خود را برای حضرت یوسف بازگو کردند و حضرت یوسف نیز آن‌ها را از تحقق خوابشان آگاه کرد (یوسف: ۴۱). و نیز می‌توان به واقع شدن خوابی که حاکم مصر دیده بود اشاره کرد که آگاهی از آن باعث شد که مصریان هفت سال خشکسالی را به خوبی پشت سر بگذارند (یوسف: ۴۲).

● آیات قرآنی که دلالت بر تجرد نفس انسانی دارد

(۱) مجموعه آیاتی است که به مرحله جدا شدن روح از بدن اشاره دارد؛ مانند: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (زمر: ۴۲) یعنی: خداوند ارواح را به هنگام مرگ قبض می‌کند؛ «إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ» (نساء: ۹۷) یعنی: کسانی که فرشتگان (قبض ارواح)، روح آن‌ها را گرفتند درحالی‌که به خویشتن ستم کرده بودند؛ «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا» (انعام: ۶۱) یعنی: تا زمانی که یکی از شما را مرگ فرا رسد؛ (در این موقع) فرستادگان ما جان او را می‌گیرند. همان‌گونه که به روشنی از این آیات به دست می‌آید؛ به هنگام مرگ، فرستادگان الهی جان انسان‌ها را به صورت تمام و کامل دریافت می‌کنند. این‌گونه دریافت، با آنچه ما به هنگام مرگ بعضی از افراد می‌بینیم که بدنشان متلاشی می‌شود، سازگار نخواهد بود، مگر آن‌که بُعدی از ابعاد وجود انسان را که همان روح و نفس باشد، امری مجرد و غیرمادی بدانیم.

(۲) آیاتی که هنگام بیان رابطه انسان با خدا، نفس و روح انسان را به خداوند منسوب می‌کند؛ مانند: «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص: ۷۲) یعنی: هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید. خداوند موجود مادی، مُرَكَّب و دارای اجزاء نمی‌باشد؛ بنابراین منسوب شدن روح انسان به خدا، گویای این است که با خداوند سنخیت دارد، بنابراین لازم است روح انسان فاقد ویژگی‌های مادی باشد.

(۳) استفاده از عبارت آفرینش دیگر برای خلقت روح: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۲ تا ۱۴) یعنی: و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم؛ سپس نطفه را به صورت علقه (خون بسته)، و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده شده)، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است. این آیه به خلقت و آفرینش انسان اشاره می‌کند و نه فرد خاصی از انسان‌ها. از مرحله دمیدن روح به بدن انسان با تعبیر «خَلْقًا آخَرَ» یاد شده است که نشان می‌دهد اصولاً مرحله دمیده شدن روح چنان با فرآیند پیدایش بدن مادی تفاوت دارد که از آن به «آفرینش دیگر» تعبیر شده است.

(۴) آیاتی که نه تنها مرگ را به نیستی و نابودی تفسیر نمی‌کند، بلکه از آن به منزله امری وجودی تعبیر می‌کند. از جمله آیاتی که در زمره این دسته قرار می‌گیرند، آیات ذیل هستند: «كُلُّ نَفْسٍ دَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» (عنکبوت: ۵۷) یعنی: هر انسانی مرگ را می‌چشد، سپس شما را به سوی ما بازمی‌گردانند. «كُلُّ نَفْسٍ دَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُزْرِ» (آل عمران: ۱۸۵) یعنی: هر کسی مرگ را می‌چشد؛ و شما پاداش خود را به طور کامل در روز قیامت خواهید گرفت؛ آن‌ها که از آتش (دوزخ) دور شده، و به بهشت وارد شوند نجات یافته و رستگار شده‌اند و زندگی دنیا، چیزی جز سرمایۀ فریب نیست! در این آیات برای اشاره به مرگ، تعبیر «چشیدن مرگ» به کار رفته و فعل چشیدن نیز به نفس نسبت داده می‌شود و روشن است که اگر مرگ نیستی و نابودی بود، چنین تعبیری از مرگ صحیح نمی‌بود. بنابراین حقیقت وجود انسان چیزی علاوه بر بدن مادی است که پس از مرگ بدن، به حیات خود در قالب یک امر مجرد به نام «نفس» ادامه می‌دهد؛ بنابراین نفس و روح انسان امری مجرد و غیرمادی می‌باشد و همین روح است که به هنگام مرگ، طعم آن را می‌چشد.

● روایاتی که اشاره بر تجرد نفس انسان دارد

(۱) مواردی که دنیا را به عنوان گذرگاهی برای رسیدن به سرای دیگر معرفی کرده است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «وَاسْتَعِدُّوا لِلْمَوْتِ فَقَدْ أَظْلَكُكُمْ، وَكُونُوا قَوْمًا صَبِيحَ بِهِمْ فَاتَتْهُمْ هَوَا وَ عَلِمُوا أَنَّ الدُّنْيَا لَيْسَتْ لَهُمْ بِدَارٍ فَاسْتَبَدُّوا، فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ لَمْ يَخْلُقْكُمْ غَبْتًا وَ لَمْ يَتْرُكْكُمْ سُدًى» (نهج البلاغه، خطبه ۶۴) یعنی: و آماده مرگ باشید که بر شما سایه افکنده است و از کسانی باشید که آن‌ها را بانگ زدند و بیدار شدند و دانستند که دنیا سرای ابدی آنان نیست، لذا آن را با سرای آخرت مبادله کردند؛ اینها همه به خاطر آن است که خدای سبحان شما را بیهوده نیافریده و بی هدف رها نکرده است؛ «وَاعْمَلُوا لِلْجَنَّةِ عَمَلًا؛ فَإِنَّ الدُّنْيَا لَمْ تُخْلَقْ لَكُمْ دَارَ مُقَامٍ، بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَارًا، لَتَرْوُدُوا مِنْهَا الْأَعْمَالُ إِلَى دَارِ الْقَرَارِ، فَكُونُوا مِنْهَا عَلَى أَوْفَارٍ وَ قَرَّبُوا الظُّهُورَ لِلزَّيَالِ» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲) یعنی: و برای بهشت (جاویدان) عمل شایسته آن را انجام دهید. (بدانید) دنیا به عنوان اقامتگاه همیشگی شما خلق نشده، بلکه به عنوان گذرگاه شما آفریده شده است تا از آن زاد و توشه اعمال صالح برای سرای جاودانی بگیرید، اکنون که چنین است به سرعت آماده کوچ کردن از آن باشید و مرکبها را برای ترک دنیا آماده کنید؛ «أَيُّهَا النَّاسُ، إِنَّمَا الدُّنْيَا دَارُ مَجَازٍ وَ الْآخِرَةُ دَارُ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمَرِكُمْ لِمَقَرِّكُمْ» (نهج البلاغه، خطبه ۲۰۳) یعنی: ای مردم! دنیا تنها سرای عبور است و آخرت خانه جاودانه، حال که چنین است از این گذرگاه خود برای محل استقرار خویش (در آخرت)، توشه بگیرید. در همه این روایات امام علی علیه السلام بر گذرگاه بودن دنیا تأکید فرمودند و روشن است که گذرگاه زمانی است که شخص از یک منطقه یا مرحله به منطقه یا مرحله دیگر منتقل شود و اگر حقیقت و هویت انسان همین بدن مادی که چند روز پس از مرگ متلاشی می‌شود بود، گذرگاه بودن دنیا معنا نداشت.

(۲) روایاتی که برخی افراد از امام معصوم درباره سرنوشت ارواح مؤمنین و کفار پس از مرگ سؤال کرده‌اند و حضرت نیز حالات پس از مرگ را برای آن‌ها توضیح داده است. (عن ابی بصیر قال: قال ابو عبدالله: ان ارواح المؤمنین لفی شجرة من الجنة یاکلون من طعامها و یشربون من شرابها، ویقولون اقم الساعة لنا و انجز ما

وعدتنا و الحق آخرنا باولناه» (کلینی، ص ۲۴۴) یعنی: حضرت امام صادق علیه السلام فرمود به درستی که ارواح مؤمنان در بهشت در درختی قرار دارد که از خوراک آن تناول می‌کنند، و از نوشیدنی آن می‌نوشند و می‌گویند: خداوند! آخرت را برای ما برپا دار و وعده‌ای را که به ما داده‌ای محقق ساز و ما را با نیاکان خود گرد هم آور. روایت دیگر چنین است: «عن ابی عبدالله، قال: سالته عن ارواح المشركين، فقال: في النار معذبون، يقولون ربنا لا تقم لنا الساعة ولا تنجز ما وعدتنا ولا تلحق آخرنا باولنا» (کلینی، ص ۲۴۵) یعنی: از امام صادق درباره ارواح مشرکان پرسیدم. پس فرمود: در آتش عذاب می‌شوند و به خداوند می‌گویند: خداوند! آخرت را برپا مدار و وعده‌ای را که به ما داده‌ای محقق نساز و ما را با نیاکانمان گرد هم نیاور. روایت دیگر عبارت است از: «عن ابی عبد الله قال اذا مات الميت اجتمعوا عنده يسالونه عن مضي، وعن بقى فان كان مات و لم يرد عليهم قالوا: قد هوى هوى و يقول بعضهم لبعض دعوه حتى يسكن عما مر عليه الموت» (کلینی، ص ۲۴۴) یعنی: از حضرت امام صادق نقل شده که فرمودند هنگامی که فردی بمیرد ارواح دیگران گرد او می‌آیند و از او درباره کسانیکه در گذشته‌اند و کسانیکه باقی مانده‌اند سؤال می‌کنند؛ پس اگر فردی بمیرد و به آنان ملحق شده باشد، گویند که او از بین رفته است و بعضی از ارواح به برخی دیگر می‌گویند: این شخص تازه در گذشته را رها سازید تا از دشواری‌هایی که هنگام مرگ بر او وارد شده است، آسایش یابد. همان گونه که از این روایات به دست می‌آید، پس از مرگ و بعد از آنکه بدن مادی متلاشی شد، انسان از بین نمی‌رود و روح افراد باقی می‌ماند، به گونه‌ای که ارواح مؤمنان در نعمت و ارواح کفار و مشرکان در عذاب به سر می‌برند. ویژگی دیگری که فلاسفه به نفس نسبت می‌دهند این است که اولاً، در جهان هستی این طور نیست که برای همه انسان‌ها یک نفس وجود داشته باشد؛ بلکه هر انسانی، یک نفس مجزا از انسان‌های دیگر دارد. ثانیاً، هر انسان دارای چند نفس نیست؛ چرا هر انسان **هویت واحدی** دارد که تمام صفات و افعال و کردار خویش را به آن نسبت می‌دهد. به عبارت دیگر، اینکه انسان کارهای مختلفی انجام می‌دهد، نشان‌دهنده چند شخصیتی بودن و نفوس متعدد برای یک انسان نیست؛ بلکه همه این فعالیت‌ها از یک نفس واحد سرچشمه می‌گیرند.

آغاز و پایان نفس

فلاسفه در مورد آغاز به وجود آمدن نفس، نظریات متفاوتی دارند. برخی نفس را قدیم و برخی حادث می‌دانند. قدیم بودن نفس یعنی همیشه بوده است، یعنی زمانی نبوده که نفس نبوده باشد. به عبارت دیگر، نفس از ازل بوده و هیچ‌گاه ایجاد نشده است، زیرا همیشه وجود داشته است. همچنین قدیم بودن نفس یعنی تغییری در نفس ایجاد نمی‌شود، یعنی نفس از ابتدا کامل بوده است و چنین نبوده که در طول زمان و به تدریج، نقص و کاستی خود را برطرف و به کمالات جدیدی دست پیدا کند. حادث بودن نفس نیز یعنی نفس از ابتدا وجود نداشته و در زمانی مشخص به وجود آمده است. همچنین اگر نفس را حادث بدانیم یعنی از ابتدای پیدایش آن، تغییری در نفس ایجاد می‌شود، زیرا نفس از ابتدا کامل نبوده و در طول زمان و به تدریج، نقص و کاستی خود را برطرف کرده و کامل‌تر می‌شود. از میان فیلسوفان، برخی مانند افلاطون نفس انسانی را قدیم شمرده‌اند.

افلاطون و پیروانش دست‌کم دو دلیل بر قدیم بودن نفس اقامه کرده‌اند: براساس دلیل اول، اگر نفس حادث باشد از دو حال خارج نیست؛ یا علت این امر آن بوده که نفس انسانی فاقد ماده، قوه و زمینه لازم برای تحقق بوده است یا اینکه علت پدیدآوردن نفس چنین توانایی و قدرتی را نداشته است. در حالت اول، لازم است که نفس انسانی دارای ماده و قوه قبلی باشد؛ درحالی‌که نفس انسان مجرد است و مجرد بودن نفس انسان به این معنا است که فاقد هرگونه ماده، قوه و زمینه قبلی است؛ بنابراین فرض نخست منتفی است. اکنون به سراغ فرض دوم می‌رویم. این فرض نیز منتفی است، زیرا روشن است که علت فاعلی نفس خداوند است و او نفس انسان را خلق کرده است. از این رو، فرض عدم قدرت خداوند بر خلقت نفس انسان، مستلزم محدود شمردن قدرت خداوند است و این برخلاف ادله عقلی می‌باشد؛ بنابراین چاره‌ای نیست جز آنکه نفس انسانی را قدیم بشماریم. برخلاف نظر افلاطون، بیشتر فیلسوفان نفس انسان را حادث میدانند. از نظر آن‌ها، نفس برای ایجاد شدن به بدن مادی نیاز دارد و همراه با آن حادث می‌شود و از طرفی بدن حادث است، بنابراین نفس نیز حادث است. از طرف دیگر، نیازمندی نفس ناطقه به قوا و آلات ادراکی و تحریکی، نشان می‌دهد که نفس در ابتدا ناقص و ضعیف است و پس از طی کردن مراحل، به قوت می‌رسد. در نتیجه، روشن می‌شود که نفس، جوهری قدیم نیست؛ بلکه حادث است.

آیات و روایات نیز به حادث بودن نفس انسان تأکید داشته‌اند. در آیات قرآن شاید صریح‌ترین بیانی که بر حادث بودن نفس دلالت دارد، آیات «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكُ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون: ۱۴ تا ۱۲) یعنی: و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم؛ سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن (رحم) قرار دادیم؛ سپس نطفه را به صورت علقه (خون‌بسته)، و علقه را به صورت مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده‌شده)، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم؛ سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است. در این آیات به تفصیل مراحل پیدایش انسان بازگو می‌شود. نخست به مرحله شکل‌گیری نطفه می‌پردازد که انسان موجودی مادی است و در ادامه، مراحل گوناگون تکامل نطفه را تا رسیدن به مرحله گوشت آلود شدن بیان می‌کند و سپس با استفاده از کلمه «ثُمَّ» که نشان‌دهنده تأخر زمانی است، مرحله‌ای جدید را تبیین می‌کند که با مراحل قبلی کاملاً تفاوت دارد (أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ). این بخش از آیه، گویای آن است که این آفرینش نو با ماده‌ای که پیشتر وجود داشته است کاملاً تفاوت دارد. در آیه دیگری می‌خوانیم: «ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ» (سجده: ۹) یعنی: سپس (اندام) او را موزون ساخت و از روح خویش در وی دمید؛ و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد؛ اما کمتر شکر نعمت‌های او را بجا می‌آورید! در این آیه شریفه سخن از نفخ روح به میان آمده است و مقصود از نفخ روح نیز ایجاد

روح در بدن است، بنابراین ظاهر آیه گواه آن است که نفس انسان موجودی است که به هنگام نفخ در کالبد آدمی حادث می‌شود. با استدلال‌ها و آیاتی که در بالا ذکر شد، اصل حدوث نفس ثابت می‌شود؛ اما اینکه این حدوث چگونه است، به مبانی هر یک از فلاسفه بستگی دارد. فلاسفه در مورد پایان و مقصد نفس نیز نظریات متفاوتی دارند. برخی نفس را باقی و برخی آن را فانی می‌دانند. فانی بودن یعنی نفس از بین خواهد رفت و باقی بودن یعنی همیشه و تا ابد خواهد بود و از بین نخواهد رفت. اکنون نظریات مختلف در این زمینه را با هم بررسی می‌کنیم:

● نفس از نظر افلاطون، ارسطو و مشائیان: روحانیه الحدوث و روحانیه البقاء

یعنی نفس در آغاز خلقتش روحانی و غیرمادی بوده، سپس به بدن تعلق گرفته و بعد از مرگ بدن نیز به شکل روحانی و غیرمادی باقی می‌ماند. تا پیش از صدرالمتألهین، نظریه مشهور و مقبول در میان حکما همین نظریه بوده است. البته همانطور که قبلاً نیز بیان شد، افلاطون و ارسطو در مورد حدوث و قدوم نفس با یکدیگر اختلاف دارند. تفاوت دیدگاه افلاطون و ارسطو آن است که افلاطون به قدم روحانی و ارسطو به حدوث روحانی نفس معتقد است.

کمی ساده‌تر: اگرچه در برخی منابع اومده که ارسطو نفس رو روحانیه البقاء می‌دونه، اما دقیق‌تر اینه که بگیم نظر پیروان ارسطو، مانند ابن‌سینا این چنین هست، نه نظر ارسطو. از نظر ارسطو، نفس و بدن رابطه اتحادی دارند و این اتحاد، کامل هست؛ تا اونجا که پس از مرگ بدن، نفس هم از بین می‌ره.

آن‌ها معتقد هستند ابتدا باید بدن به وجود بیاید و بعد از اینکه توانایی کسب نفس روحانی را به دست آورد، نفس به آن تعلق می‌گیرد.

بنابراین نفس اگرچه در آغاز حدوث و خلقتش روحانی است، ولی برای حادث شدن به بدن و جسم نیازمند است.

● نفس از نظر مادی‌گرایان (ماتریالیست‌ها)، متکلمان، محدثان، طباعیه و ذهریه: جسمانیه الحدوث و جسمانیه البقاء

یعنی نفس در ابتدای حدوث و خلقتش جسمانی و مادی است و در ادامه حیاتش نیز مادی باقی می‌ماند.

● نفس از نظر اهل تناسخ: روحانیه الحدوث و جسمانیه البقاء.

یعنی نفس در ابتدا به صورت روحانی و مجرد به وجود می‌آید؛ ولی بقای آن جسمانی است.

● نفس از نظر ملاصدرا و اهالی مکتب حکمت متعالیه: جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء.

یعنی نفس در ابتدای حدوثش جسمانی و متعلق به عالم مادی است؛ ولی در اثر تکامل، تجرد پیدا می‌کند و روحانی می‌گردد. این نظریه، ابداع ملاصدرا است و هیچ سابقه‌ای در میان فیلسوفان یونانی و مسلمان پیش از وی ندارد:

النفس فی الحدوث جسمانیة و فی البقاء تكون روحانیة

ابزار ادراک از نظر فلاسفه

از نظر فلاسفه، هنگامی که انسان به دنیا می‌آید، ابزارهایی برای درک جهان اطراف و خود دارد. یکی از مهم‌ترین اختلاف‌های فلاسفه، همین جا است که آیا آن‌ها همه این ابزارها را معتبر می‌دانند یا خیر. فلاسفه مسلمان همه ابزارهای شناخت و معرفت را معتبر می‌دانند، اما برخی فلاسفه خیر. اکنون به بررسی هریک از ابزارهای معرفت می‌پردازیم.

● ابزار حسی

این ابزار وسیله‌ای برای شناخت طبیعت است. حواس انسان آنچه را با ماده مرتبط است از طریق چشم، گوش، بینی، زبان و پوست به صورت جزئی ادراک می‌کند.

● ابزار خیالی

پس از آن که شناخت حسی صورت می‌پذیرد، با از میان رفتن صورت مادی، تصویری غیرمادی از آن شیء در ذهن باقی می‌ماند که به آن «صورت خیالی» می‌گویند. صورت خیالی همان صورت محسوس است که ماده در آن حضور ندارد. قوه‌ای که این صورت خیالی را درک می‌کند، «قوه خیال» است.

کمی ساده‌تر: قوه به معنای ابزار هست. یعنی خیال، ابزاری در انسان که صورت‌های خیالی رو درک می‌کنه.

اهمیت این قوه از آن رو است که بسیاری از اختراعات، صنایع و آثار هنری و صنعتی از طریق آن پدید می‌آیند.

● ابزار وهمی

تفاوت قوه واهمه و قوه عاقله در این است که عقل، مفاهیم کلی را بدون صورت می‌فهمد؛ اما قوه واهمه، مفاهیم را با صورت‌های جزئی درک می‌کند. در ادراک معانی جزئی و موهوم، دخالت خیال نیز ضروری است؛ هر چند در بقای آن‌ها نیازی به قوه خیال نیست.

وهم و تخیل جزو ادراکات جزئی هستند، به این دلیل که وظیفه تخیل، درک محسوسات در غیاب آن‌ها است و وظیفه وهم نیز اگرچه درک معانی است ولی معنایی را درک می‌کند که از محسوسات سرچشمه می‌گیرند. درک جزئیات متعلق به نفس ناطقه یا عقل نیست؛ بلکه متعلق به نفس حیوانی است.

کمی ساده‌تر: مبحث کلی و جزئی در فلسفه از اون بحث‌های پیچیده و پر از اختلافه. از افلاطون که حدود ۲۵۰۰ سال پیش زندگی می‌کرده تا فلاسفه امروزی، بحث‌های مختلفی در این زمینه وجود داشته. من خیلی خلاصه و آسون و با یک مثال بحث رو برات توضیح می‌دم: فرض کن ۳ نفر در مقابل شما قرار دارن،

احمد و فرهاد و سیمین. وقتی شما این‌ها رو بررسی می‌کنی، یک سری صفت‌هایی در اون‌ها مشاهده می‌کنی که مخصوص خودشونه، مثلاً رنگ مو، بلندی قد و... اما یک صفت دیگه هم از اون‌ها درک می‌کنی که اولاً به‌طور مستقیم قابل مشاهده نیست و ثانیاً در همه اون‌ها مشترکه، ویژگی «انسان بودن». انسانیت رو نمی‌شه در یک فرد مشاهده کرد؛ بلکه از طریق ویژگی‌های ظاهریش متوجه می‌شیم که این موجود، انسان هست یا نه. همچنین انسانیت در همه این‌ها مشترکه و همشون انسان هستن. پس مفاهیم جزئی رو با حواس پنج‌گانه و مستقیماً می‌شه درک کرد، مثل رنگ مو؛ اما مفاهیم کلی با حواس پنج‌گانه قابل درک نیستن (البته گاهی حواس به ما کمک می‌کنن) بلکه با عقل قابل درک هستن. وقتی ما به محسوسات نگاه می‌کنیم، یک مفهوم کلی از اون‌ها در ذهنمون شکل می‌گیره مثل «انسان بودن». البته توجه داشته باش که همه مفاهیم کلی از محسوسات انتزاع نمی‌شن.

● ابزار عقلی

انسان از طریق ابزار عقلی (مهم‌ترین ابزار در وجود انسان)، معانی کلی و معقول را درک می‌کند. نفس ناطقه برای ادراک کلی نیازی به وسیله و آلت ندارد و بدون وسیله نیز می‌تواند کلیات را درک کند. ادراک کلی یعنی ادراک مجردات (پدیده‌ها و مفاهیم غیرمادی). به این نوع ادراک، تعقل یا نطق نیز می‌گویند.

● ابزار قلبی

همچون ابزار عقلی، معانی مجزّد و کلی را به ادراک انسان می‌آورد. تفاوت قلب در ادراک این معانی با عقل این است که اولاً آنچه را عقل از دور به‌صورت مفهوم کلی به ادراک درمی‌آورد، قلب از نزدیک شهود می‌کند. ثانیاً عقل به‌دلیل محدودیت در درک مفهومی، نمی‌تواند بسیاری از حقایق را درک کند؛ اما قلب با ادراک شهودی بر بسیاری از اسرار کلی و بلکه جزئی نیز آگاه می‌شود.

نیم‌نگاهی به منطق

مبحث نسبت‌های چهارگانه (تساوی، تباین، مُطلق و مین‌وجه) جزو مباحث اولیه منطق و پیش‌زمینه مباحث فلسفی و علم‌النفس است. میان مصادیق دو مفهوم، حالات زیر برقرار هستند:

● تساوی

اگر مصادیق یک مفهوم کاملاً با مصادیق مفهوم دیگر یکسان باشد و بر هم منطبق باشند (همانند دو دایره که روی هم قرار می‌گیرند). مثلاً مثلث و شکل سه ضلعی را در نظر بگیرید. هر شکل سه ضلعی، مثلث و هر مثلثی شکل سه ضلعی است. یعنی نمی‌توانیم هیچ شکل سه ضلعی پیدا کنیم که مثلث نباشد و یا نمی‌شود هیچ مثلثی پیدا کرد که شکل سه ضلعی نباشد. پس این دو مفهوم با هم رابطه تساوی دارند.

● تباین

اگر مصادیق یک مفهوم کاملاً با مفهوم دیگر متفاوت باشد و هیچ اشتراکی نداشته باشند (همانند دو دایره که کاملاً از هم جدا هستند). مثلاً مثلث و دایره. این دو مفهوم هیچ مصداق مشترکی با هم ندارند. یعنی نمی‌توان هیچ دایره مثلثی و یا هیچ مثلث دایره‌ای پیدا کرد. پس این دو مفهوم با هم رابطه تباین دارند.

● عموم و خصوص مطلق

اگر مصادیق یک مفهوم کاملاً درون مصادیق مفهوم دیگر قرار بگیرد اما مصادیق مفهوم دوم کاملاً با مفهوم اول یکسان نباشد (همانند دو دایره که یکی از آن‌ها داخل دیگری قرار می‌گیرد). مثلاً شکل و مثلث. هر مثلثی شکل است اما هر شکلی مثلث نیست. یعنی تمام مصادیق مثلث، داخل محدوده شکل‌ها قرار می‌گیرد، پس این دو مفهوم با هم رابطه مطلق دارند.

● عموم و خصوص مین‌وجه

اگر دو مفهوم در برخی مصادیق با هم مشترک و در برخی مصادیق با هم متفاوت باشند (مانند دو دایره که همدیگر را قطع کرده باشند). مثلاً مثلث و شکل دارای اضلاع مساوی. هر مثلثی شکل متساوی‌الاضلاع نیست و هر شکل متساوی‌الاضلاع، مثلث نیست. اما برخی از مثلث‌ها متساوی‌الاضلاع و برخی متساوی‌الاضلاع‌ها مثلث هستند. بنابراین این دو مفهوم در برخی مصداق‌ها مشترک و در برخی مصداق‌ها متفاوت هستند و رابطه آن‌ها من‌وجه است.

خلاصه فصل

فلسفه به‌عنوان یک دانش تلاش می‌کند از طریق ابزار عقل، مهم‌ترین و کلی‌ترین مسائل جهان هستی را بررسی کند و از ابزار عقل بهره می‌برد. در اثرواکنش نسبت به فلسفه دکارت، «فلسفه تجربی» و نظام‌های وابسته به آن به وجود آمدند و به‌سرعت تحلیل تجربی ذهن جای بررسی عقلانی آن را گرفت و روان‌شناسی، جنبه تجربی یافت.

در علم النفس، علاوه بر مباحث فیزیولوژیک و حواس ظاهری، به امور مربوط به بُعد انسانی نیز توجه بسیاری شده است. مکتب «تجربه‌گرایی» گرایشی مهم نسبت به روان‌شناسی ایجاد کرد و آغازگر تحولی ریشه‌ای در تفکر روان‌شناختی گردید.

فلسفه کانت را می‌توان پیشاهنگ «روان‌شناسی خبرپردازی» و علم شناختی دانست.

مسئله «ارتباط نفس و بدن» یا وحدت و کثرت آن‌ها، اولین و محکم‌ترین پیوند و اتصال میان فلسفه و روان‌شناسی را همواره برقرار کرده است. «روان‌شناسی فلسفی»، زمینه‌ای برای بحث در مورد مسائل نظری گوناگون روان‌شناسی از دیدگاه فلسفی فراهم آورده است. علم النفس به دلیل نظری بودن، جزو تحقیقات پایه قرار می‌گیرد. از نظر ارسطو و پیروان وی، نفس عبارت است از نخستین استکمال جسم طبیعی آلی بالقوه دارای حیات. روش‌های علمی مثل روش روان‌شناسی فیزیولوژیک و روش تحلیل روانی، توسط ابن‌سینا مورد استفاده قرار گرفته است. در نیمه دوم قرن نوزدهم، جان استوارت میل روان‌شناسی را علمی مستقل و مبتنی بر مشاهده و آزمایش توصیف کرد. نفس، جوهری قدیم نیست؛ بلکه حادث است. ابزار حسی وسیله‌ای برای شناخت طبیعت است. درک جزئیات، متعلق به نفس ناطقه یا عقل نیست؛ بلکه متعلق به نفس حیوانی است. انسان از طریق ابزار عقلی (مهم‌ترین ابزار)، معانی کلی و معقول را درک می‌کند. نفس ناطقه بدون وسیله نیز می‌تواند کلیات را درک کند. ادراک کلی یعنی ادراک مجردات (پدیده‌ها و مفاهیم غیرمادی). به این نوع ادراک، تعقل یا نطق نیز می‌گویند. مبحث نسبت‌های چهارگانه (تساوی، تباین، مطلق و من وجه) جزو مباحث اولیه منطق و پیش‌زمینه مباحث فلسفی و علم النفس است.

سوالات کنکور کارشناسی ارشد

- ۱) کدام مورد، نظر اغلب دانشمندان اسلامی در مورد عقل است؟ (ارشد ۱۳۹۵)
 - ۱) تغییر رفتار ناهنجار انسان ربطی به نگرش او ندارد.
 - ۲) عقل، مهم‌ترین ابزار شناخت انسان است.
 - ۳) حواس پنج‌گانه از ابزارهای مهم شناخت انسان محسوب نمی‌شوند.
 - ۴) فقط حس و عقل ابزار شناخت انسان هستند.
- ۲) دانشمندان مسلمان در تحقیقات مربوط به نفس، اغلب از کدام روش‌ها استفاده کرده‌اند؟ (ارشد ۱۳۹۸)

۱) تمثیلی و عقل	۲) عقلی و قیاسی	۳) استقرایی و تمثیلی	۴) استقرایی و تجربی
-----------------	-----------------	----------------------	---------------------
- ۳) محتوای علم النفس از دیدگاه دانشمندان اسلامی بیشتر با کدام بخش از علم روان‌شناسی دارای فصل مشترک است؟ (ارشد ۱۴۰۱)

۱) تحقیقات توسعه‌ای	۲) فلسفه روان‌شناسی	۳) مطالعات کاربردی	۴) تحقیقات پایه
---------------------	---------------------	--------------------	-----------------
- ۴) کسانی که اعتقاد به وجود روح ندارند، به کدام دیدگاه‌ها در مورد نفس نزدیک‌ترند؟ (ارشد ۱۴۰۳)

۱) جسمانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس	۲) روحانیة الحدوث و روحانیة البقاء بودن نفس
۳) روحانیة الحدوث و جسمانیة البقاء بودن نفس	۴) جسمانیة الحدوث و جسمانیة البقاء بودن نفس
- ۵) کدام مورد، از ضعف‌های روان‌شناسی موجود نیست؟ (ارشد ۱۴۰۳)

۱) نگاه مادی به انسان	۲) تعمیم‌یافته‌ها از حیوان به انسان
۳) نپرداختن به عوامل سعادت و شقاوت انسان	۴) پرداختن به آسیب‌ها و اختلالات روان‌شناختی

پاسخ تشریحی کنکور کارشناسی ارشد

- | | |
|--|--|
| <p>۱) گزینه ۲</p> <p>انسان از طریق ابزار عقلی (مهم‌ترین ابزار)، معانی کلی و معقول را درک می‌کند. ادراک کلی یعنی ادراک مجردات (پدیده‌ها و مفاهیم غیرمادی). به این نوع ادراک، تعقل یا نطق نیز می‌گویند.</p> <p>۲) گزینه ۲</p> <p>روان‌شناسان جدید برخلاف فلاسفه، به حالات روانی یا کیفیات نفسانی می‌پردازند. همچنین روش تحقیق امروزی برخلاف گذشته که عقلی بود، براساس مشاهده</p> | <p>و تجربه است.</p> <p>۳) گزینه ۴</p> <p>همان‌طور که در مقدمه کتاب و جای جای کتاب به آن اشاره شده، علم النفس یعنی تعریف و اثبات نفس و قوای آن. تحقیقات بنیادی یا پایه‌ای از نوع تحقیقات نظری است که در آن محقق بدون داشتن هدف کاربردی خاص، صرفاً برای توسعه دانش به مطالعه می‌پردازد. تحقیقات کاربردی برای یافتن راه‌حلی درباره یک مشکل مهم در جامعه، یک سازمان صنعتی یا اداری انجام می‌شود. هدف</p> |
|--|--|

اثبات‌گرایی، طبیعت انسانی را به جنبهٔ ارگانیک و فیزیکی آن فرو می‌کاهد و هیچ نوع احساس و شعور یا نظام مرتبط با زندگی درونی را نمی‌پذیرد.

به گفتهٔ یونگ، اگر روان‌شناسی صرفاً یکی از فعالیت‌های مغزی تلقی شود، «ارزش ویژه و کیفیت ذاتی خود را بلافاصله از دست می‌دهد و حاصل عمل غدد داخلی و در ردیف یکی از شاخه‌های فیزیولوژی به شمار می‌رود» و به بیان اریک فروم: «روان‌شناسی به صورت علمی درمی‌آید که فاقد موضوع اصلی خویش، یعنی روح انسان است.»

دکارت با مقایسهٔ بدن انسان با ماشین، راه را برای مطالعهٔ علمی انسان هموار کرد. او فیزیولوژیست‌ها را واداشت تا روش کالبدشکافی را به منظور بهتر شناختن ماشین بدن، به کار گیرند و از آن‌رو که می‌پنداشت انسان و حیوان از نظر فیزیولوژیکی شبیه هستند، مطالعهٔ حیوانات برای شناخت انسان، از احترام ویژه‌ای برخوردار شد. از این رو، راه را برای «روان‌شناسی فیزیولوژیک» و «روان‌شناسی تطبیقی» هموار نمود.

اصلی تحقیقات توسعه‌ای، نظریه‌پردازی یا آزمون نظریه نیست؛ بلکه توسعهٔ محصولات یا فرآیندهای جدید، تهیه یا تدوین برنامه‌ها، طرح‌ها و امثال آن است. با توجه به مطالب بالا، علم النفس به دلیل نظری بودن، جزو تحقیقات پایه قرار می‌گیرد.

۴) گزینهٔ ۴

نفس از نظر مادی‌گرایان (ماتریالیست‌ها)، متکلمین و دهریون، جسمانیة‌الحدوث و جسمانیة‌البقاء می‌باشد. یعنی نفس در ابتدای حدوث و خلقتش، جسمانی و مادی است و در ادامهٔ حیاتش نیز مادی باقی می‌ماند.

۵) گزینهٔ ۵

تلاش‌های گالتون در انگلستان نیز در همین راستا بود و به‌طور کلی، حرکت فیلسوفان آلمانی و انگلیسی و فرانسوی موجب شد تا دیدگاه‌های فلسفی، عقلی، شهودی و انتزاعی در روان‌شناسی رنگ ببازد و به تدریج، معیارهای تجربی همچون اندازه‌گیری و سنجش در تعریف پدیده‌های ذهنی و احساسی جا باز کند.

خودنگار...